

علمی پژوهشی

واکاوی دغدغه‌های مادران ایرانی در بستر کنونی: یک مطالعه کیفی در شهرستان بابل استان مازندران

سیده مریم حمیدائی^۱، صادق صالحی^{۲*}، مهربان پارسامهر^۳

چکیده

مطالعه حاضر با رویکردی کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد به دنبال فهم عمیق تجربه زیسته مادران ایرانی در بستر تحولات فرهنگی و تاریخی است. مسأله اصلی آن، تبیین نحوه مواجهه مادران با تضاد میان نقش‌های سنتی و الزامات مدرن و پیامدهای آن بر هویت، روابط خانوادگی و کنش‌های روزمره آنان است. چارچوب نظری با تلفیق دیدگاه‌های سیستم‌های خانواده، فرهنگی-تاریخی و نقش اجتماعی، مادری را پدیده‌ای چندبعدی و درهم تنیده با ساختار فرهنگی، اقتصادی و طبقاتی جامعه ایران می‌بیند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با مادران در طبقات و وضعیت‌های مختلف اجتماعی گردآوری و از رهگذر کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که مادران طبقات متوسط و بالا تحت فشار انتظارات اجتماعی برای موفقیت فرزندان و حفظ منزلت فرهنگی قرار دارند. درحالی که مادران طبقات فرودست عمدتاً با دغدغه‌های معیشتی، احساس ناکامی و محدودین منابع حمایتی مواجه اند. همه گروه‌ها در تلاش اند میان سنت و مدرنیته تعادل برقرار کنند. یافته‌ها نشان دادند که مادری در ایران امروز بیش از آنکه تجربه‌ای فردی باشد، بازتاب ساختارهای فرهنگی و گفتمان‌های هنجاری است. نوآوری پژوهش در تبیین مادری به مثابه پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی و نه صرفاً روان شناختی و در ارائه مدلی مفهومی از مادری در گذار فرهنگی است که با تلفیق دیدگاه‌های فمینیستی و نقش اجتماعی چارچوبی بومی برای تحلیل موقعیت زنان ایرانی فراهم و به توسعه نظری جامعه‌شناسی خانواده و فمینیستی در ایران یاری می‌کند.

تاریخ دریافت:

۱۶ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۲۰ آبان ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

مادری؛ تجربیات زیسته؛
زمینه‌های اجتماعی
فرهنگی؛ مادران ایرانی؛
مطالعه کیفی؛ استان
مازندران

۱- مقدمه و بیان مسأله

مادران نقشی حیاتی و غیرقابل جایگزین در جامعه دارند، زندگی افراد را شکل می‌دهند و به رفاه خانواده‌ها کمک می‌کنند. آن‌ها نقش مهمی در پرورش، هدایت و محافظت از فرزندان خود ایفا می‌کنند و اهمیت آن‌ها فراتر از محدوده خانه‌هایشان

^۱ کارشناسی ارشد توسعه محلی، گروه جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

^۲ استاد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول).

s.salehi@umz.ac.ir

^۳ دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

است. در حلقه خانواده، مادران چهره‌های اصلی هستند که حمایت عاطفی، راهنمایی و مراقبت را برای اعضای خانواده خود فراهم می‌کنند. آن‌ها وحدت و انسجام خانواده را حفظ و اغلب به‌عنوان مراقبان اصلی عمل می‌کنند و محیطی پرورش‌دهنده برای رشد فرزندان‌شان به وجود می‌آورند. نقش آن‌ها در ایجاد پایه‌ای قوی برای موفقیت و رفاه آینده فرزندان‌شان اساسی است (لوتهار و سیسیولا، ۲۰۱۵). در بافت جامعه ایرانی، نقش مادران به دلیل تأکید فرهنگی بر ارزش‌های خانوادگی و سنت‌ها، اهمیت بیشتری می‌یابد. مادران ایرانی بسیار مورد احترام هستند و مشارکت آن‌ها در خانواده برای حفظ تداوم فرهنگی و تقویت پیوندهای قوی خانوادگی ضروری تلقی می‌شود. از آن‌ها انتظار می‌رود که مراقبان اصلی خانواده باشند و اغلب مسؤول انتقال ارزش‌های فرهنگی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و دینی به فرزندان‌شان هستند (امیدوار و لیراویانی‌نژاد، ۱۳۹۷).

علاوه بر این، مادران نقش اساسی در تربیت فرزندان، به‌ویژه در توسعه مهارت‌های عاطفی، اجتماعی و شناختی آن‌ها ایفا می‌کنند. آن‌ها گرمای عاطفی، حمایت و راهنمایی لازم را که کودکان برای گذر از چالش‌های زندگی به آن نیاز دارند، فراهم می‌کنند. مادران اغلب اولین مربیان فرزندان خود هستند که ارزش‌های اساسی، مهارت‌های ارتباطی و کنجکاو فکری را به آن‌ها می‌آموزند (هانکو و همکارانش، ۲۰۲۴). در نتیجه، درک دغدغه‌های مادران ایرانی در عصر حاضر مستلزم شناخت نقش حیاتی آن‌ها در حلقه خانواده، جامعه ایرانی و همچنین چالش‌ها و انتظارات منحصربه‌فردی است که در نقش‌های مختلف خود با آن روبه‌رو هستند. مادران اغلب خود را در حال ایجاد تعادل بین مجموعه‌ای پیچیده از مسؤولیت‌ها می‌بینند که شامل وظایف شخصی، مادری، همسری و خانوادگی آن‌ها می‌شود. این نقش‌ها در هم تنیده شده‌اند و مجموعه‌ای چندوجهی و طاقت‌فرسا از تعهدات را ایجاد می‌کنند که نیاز به توجه مداوم، انعطاف‌پذیری و سازگاری دارد (وهر و دیسمور، ۲۰۲۱). در سطح شخصی، مادران باید رفاه و رشد شخصی خود را مدیریت کنند و اطمینان حاصل کنند که در میان مسؤولیت‌های متعدد خود، حس زنانگی خود را حفظ می‌کنند.

مادری یک تجربه چندوجهی است که شامل نقش‌ها، مسؤولیت‌ها و چالش‌های مختلفی است که مادران در زمینه‌های مختلف با آن مواجه می‌شوند. پیچیدگی‌های نقش مادری طیف وسیعی از دغدغه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد که ممکن است تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی و مذهبی قرار گیرد. در ایران، جنبه‌های منحصربه‌فرد فرهنگی و مذهبی، لایه دیگری از پیچیدگی را به تجربیات مادران اضافه می‌کند و سؤالاتی را در مورد چگونگی تأثیر این عوامل بر رفاه مادران، رشد کودک و پویایی خانواده مطرح می‌کند. نقش مادری، در کنار همسر بودن، اهمیت بسزایی در بافت خانواده

دارد. اگرچه دیدگاه‌های فمینیستی معاصر، نقش‌های سنتی را به چالش می‌کشند، اما ویژگی‌های ذاتی زنان و اهمیت مادری همچنان بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی مادران ایرانی است (نوری، ۱۳۹۳). ویژگی‌های ذاتی زنانه مانند پرورش، عشق به فرزندان و فداکاری برای مراقبت از آن‌ها در کتاب مقدس اسلام بسیار ارزشمند است. اسلام ضمن تأکید بر این ویژگی‌ها، حقوق مادر، مانند برآورده شدن نیازهای مادی او، احترام و قدردانی از تلاش‌های مادرانه‌اش و اهمیت ارج نهادن به تجربیات عاطفی‌اش را نیز برجسته می‌کند.

مادران در حین ایفای نقش‌های خود، با مسائل متنوعی در حوزه‌های شخصی و خانوادگی خود، مانند تعادل بین کار و زندگی، رفاه عاطفی و جسمی، شیوه‌های فرزندپروری و انتظارات اجتماعی، روبه‌رو می‌شوند. این چالش‌ها با نگرانی‌های اجتماعی گسترده‌تر، از جمله نابرابری جنسیتی، دسترسی به منابع و ساختارهای در حال تحول خانواده، در هم تنیده شده‌اند. در بافت فرهنگی و مذهبی خاص ایران، مادران باید با ملاحظات دیگری مانند حفظ ارزش‌های سنتی، پایبندی به هنجارهای مذهبی و انتظارات اجتماعی که از آن‌ها به‌عنوان مراقبان اصلی و پرورش‌دهندگان فرزند به عمل می‌آید، دست و پنجه نرم کنند. تعامل بین این عوامل، سؤالات مهمی را در مورد تجربیات منحصر به فرد مادران ایرانی و تأثیرات بالقوه آن بر پیامدهای مادری و فرزندپذیری مطرح می‌کند. بنابراین، با توجه به ابعاد فرهنگی و مذهبی متمایزی که این تجربیات را شکل می‌دهند، نیاز به بررسی جامع جنبه‌های مختلف مادری و نقش‌های مادری در ایران وجود دارد. با بررسی دغدغه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی در این زمینه، می‌توانیم درک عمیق‌تری از چالش‌های پیش روی مادران ایرانی به دست آوریم و مداخلات و سیاست‌هایی را برای حمایت بهتر از رفاه آن‌ها و رفاه خانواده‌هایشان تدوین کنیم. پژوهش در مورد دغدغه مادران در ایران و در عصر حاضر، به‌ویژه با توجه به تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، به چند دلیل ضروری است:

- درک تجربیات منحصر به فرد: بررسی تجربیات مادران ایرانی، بینش ارزشمندی در مورد چالش‌ها و فرصت‌های متمایزی که با آن مواجه هستند، ارائه می‌دهد. این درک می‌تواند به شناسایی نیازهای خاص مادران در این زمینه کمک کند و مداخلات و سیاست‌های متناسبی را که به جنبه‌های منحصر به فرد مادری در ایران می‌پردازند، ارائه دهد.
- آگاهی بخشی به توسعه سیاست: با بررسی نقش‌ها، مسئولیت‌ها و چالش‌های مادران ایرانی، محققان می‌توانند توصیه‌های مبتنی بر شواهد برای توسعه سیاست ارائه دهند. این دانش می‌تواند اجرای برنامه‌ها، ابتکارات و سیستم‌های حمایتی را که به‌طور مؤثر نیازهای مادران و خانواده‌هایشان را در چشم‌انداز فرهنگی و مذهبی ایران

برآورده می‌کنند، هدایت کند.

• افزایش رفاه مادران: تحقیق در مورد تجربیات مادران ایرانی می‌تواند زمینه‌های بالقوه بهبود در رفاه و کیفیت زندگی آن‌ها را روشن کند. یافته‌ها می‌توانند به توسعه استراتژی‌های هدفمند برای رسیدگی به نگرانی‌های سلامت روان، تعادل بین کار و زندگی و حمایت اجتماعی کمک کنند و در نهایت رفاه مادران را افزایش داده و بر پویایی خانواده و رشد کودک تأثیر مثبت بگذارند.

• ارتقاء آگاهی فرهنگی: مطالعه دغدغه‌های مادران ایرانی، آگاهی و درک فرهنگی عمیق‌تری را پرورش می‌دهد. این دانش می‌تواند به گفت‌وگوهای بین فرهنگی دامن بزند و به گفتمان جهانی فراگیرتری در مورد مادری و تجربیات زنان کمک کند و تنوع تجربیات زیسته زنان را تقویت کند.

مسئله اصلی این پژوهش، شناخت و تبیین تجربه زیسته مادران ایرانی در عصر معاصر و کشف ساختار مفهومی و درونی این تجربه است. مادری در ایران امروز، صرفاً امری خصوصی یا خانوادگی نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی پیچیده است که در تعامل پویا با ساختارهای اقتصادی، انتظارات جمعی، رسانه‌ها، نظام‌های حمایتی و تغییرات سریع اجتماعی معنا می‌یابد. مادران ایرانی در شرایط کنونی با مجموعه‌ای از چالش‌های هم‌زمان و گاه متناقض روبه‌رو هستند. از یک سو، از آن‌ها انتظار می‌رود که نقش‌های سنتی مادری را حفظ کنند، از جمله مراقبت عاطفی، انتقال ارزش‌های فرهنگی و مذهبی و ایفای نقش مراقب اصلی خانواده. از سوی دیگر، تحولات اجتماعی و اقتصادی، افزایش تحصیلات و اشتغال زنان و تغییر نقش‌های جنسیتی، انتظارات جدیدی را نیز به مادران تحمیل کرده است، از جمله استقلال اقتصادی، پیشرفت شغلی و رشد فردی. با وجود اهمیت این مسائل، شکاف قابل توجهی در ادبیات تحقیقاتی وجود دارد. مطالعات موجود عمدتاً به بررسی تک‌بعدی برخی از این چالش‌ها پرداخته‌اند و درک جامع و یکپارچه از تجربه کلی مادری در بستر فرهنگی ایران معاصر ارائه نکرده‌اند. همچنین، بیشتر این مطالعات با رویکردهای کمی انجام شده‌اند که نمی‌توانند عمق و پیچیدگی تجربه زیسته مادران را به‌درستی منعکس کنند. بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: *تجربه زیسته مادران ایرانی در بستر کنونی چگونه است و چه عوامل و فرآیندهایی بر دغدغه‌ها، چالش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای آنان تأثیر می‌گذارد؟* این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد^۱، در پی پاسخ به این سؤال و ارائه یک مدل مفهومی جامع از تجربه مادری در ایران معاصر است. این مطالعه خلأ نظری موجود در پژوهش‌های مادری در ایران

^۱ Grounded theory

واکاوی دغدغه‌های مادران ایرانی در بستر کنونی: یک مطالعه کیفی در شهرستان بابل استان مازندران

سیده مریم حمیدانی، صادق صالحی، مهربان پارسامهر

را پر می‌کند؛ زیرا برای نخستین بار تجربهٔ مادران را در بستر فرهنگی، طبقاتی و تاریخی بومی تحلیل کرده و نشان می‌دهد دغدغه‌های مادران ایرانی صرفاً روان‌شناختی یا اقتصادی نیستند، بلکه در چارچوب ساختارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی شکل می‌گیرند. بدین سان پیوندی نظری میان دیدگاه‌های فمینیستی و نقش اجتماعی در زمینهٔ ایرانی ایجاد کرده است.

۲- پیشینهٔ پژوهش

۲-۱- پیشینهٔ تجربی

این بخش با هدف ارائهٔ درک جامعی از پیشینه و زمینه‌ای که مطالعه در آن قرار دارد، تدوین شده است. این بخش به دو زیربخش تقسیم شده است که هر کدام بر مطالعات مرتبط داخلی و خارجی که به درک ما از موضوع پژوهش کمک می‌کنند، تمرکز دارند. این دو زیربخش، با ترکیب وضعیت فعلی تحقیقات در مورد دغدغه‌های مادری و فرزندپروری، چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی، پایه و اساس محکمی برای مطالعهٔ ما ایجاد می‌کنند. با درک ادبیات موجود، می‌توانیم تجربیات منحصر به فرد مادران ایرانی را بهتر درک کنیم و رویکردهای آگاهانه‌ای را برای بررسی و پرداختن به دغدغه‌های آن‌ها توسعه دهیم.

۲-۱-۱- مطالعات داخلی

کرمی و همکارانش (۱۴۰۱)، یک مطالعه برای بررسی تجربهٔ زیستهٔ مادران در کلان‌شهر تهران ارائه کردند. آن‌ها از طریق تحقیقات خود، چندین شاخص کلیدی را شناسایی کردند که چالش‌ها و نگرانی‌های مادران را در محیط شهری برجسته می‌کند. این مطالعه نشان داد که دسترسی به امکانات شهری، نیازهای جمعیت رو به رشد تهران را برآورده نمی‌کند. این نابرابری، فشار بیشتری را بر مادران هنگام گشت و گذار در شهر و دسترسی به منابع برای خود و خانواده‌هایشان وارد می‌کند. علاوه بر این، مشخص شد که طراحی و چیدمان امکانات شهری با نیازهای خاص مادران ناسازگار است. در مطالعه‌ای با عنوان «مادری و چالش اشتغال زنان با رویکرد اخلاق کاربردی»، نویسندگان به بررسی تضاد اخلاقی بین مادری و اشتغال زنان در جامعهٔ معاصر می‌پردازند (نادری پاریزی و فلاح، ۱۴۰۰). آن‌ها ادعان می‌کنند که اگرچه اشتغال به زنان استقلال اقتصادی و منزلت اجتماعی می‌دهد، اما اغلب با مسؤولیت‌های مادری آن‌ها در رقابت است. این مطالعه با

استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، استدلال‌ها را از هر دو دیدگاه بررسی می‌کند و شواهدی را ارائه می‌دهد که از منزلت اخلاقی مادران حمایت می‌کند. این مطالعه استدلال می‌کند که مادری، هماهنگ با نیازها و الزامات واقعی زنان، باید بر اشتغال اولویت داده شود. علاوه بر این، این مطالعه آسیب‌های بالقوه برای مادران و فرزندانشان را هنگامی که فعالیت‌های حرفه‌ای زنان با نقش مادری آن‌ها در تعادل نیست، برجسته می‌کند.

صادقی و شهابی (۱۳۹۶) یک مطالعه کیفی در خصوص چالش‌های مادران شاغل در شهر تهران ارائه کردند. در این مقاله، محققین به بررسی ادراکات و تجربیات زنان شاغل و دارای تحصیلات دانشگاهی در مورد فرآیند مادری و چالش‌های مرتبط با آن می‌پردازند. این زنان با نقش‌ها و مسؤولیت‌های متعدد، با مسائل و فشارهای مختلفی روبه‌رو هستند که می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر زندگی آن‌ها تأثیر بگذارد. هدف از این مقاله، دستیابی به درک عمیق از تجربیات و چالش‌های منحصر به فردی است که این زنان در حین گذر از پیچیدگی‌های مادری در کنار شغل و سایر تعهدات زندگی خود با آن مواجه می‌شوند. این مطالعه از روش‌های تحقیق کیفی با حجم نمونه ۳۰ زن متأهل و شاغل دارای مدرک دانشگاهی در تهران استفاده کرد. شرکت‌کنندگان در محدوده سنی ۲۳ تا ۳۳ سال بودند که هر کدام در زمان مصاحبه یک فرزند داشتند و تجربه مادری را داشتند. از تکنیک‌های مصاحبه عمیق برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد که متعاقباً با استفاده از تحلیل محتوایی تجزیه و تحلیل شد. نتایج این مطالعه در چهار مضمون اصلی طبقه‌بندی شد.

۲-۱-۲- مطالعات خارجی

محققان یک مطالعه با عنوان "موانع و تسهیل‌کننده‌های دسترسی به خدمات سلامت روان در میان نوجوانان باردار و مادران جوان در بلیز" ارائه دادند (اولادجی و همکارانش، ۲۰۲۵). این مطالعه با تمرکز بر موانع دسته مادران جوان به خدمات سلامت روان شباهت محتوایی قابل توجهی با مطالعه حاضر دارد؛ زیرا در هر دو بر چالش‌های اجتماعی و روانی مادران در دوران حساس بارداری و مادری تأکید شده است. مطالعه اولادجی و همکارانش از زاویه‌ای جهانی بر عوامل ساختاری و فرهنگی محدودکننده رفاه مادران می‌پردازد. در حالی که مطالعه حاضر موضوع را در بافت ایرانی و محلی بررسی کرده و می‌تواند با آن مقایسه‌ای بین فرهنگی شکل دهد. محققان یک مطالعه با عنوان "یک بررسی کیفی از تجربیات مادران در مورد حمایت از شیردهی در یک مرکز خانواده" ارائه کردند (کاسترو و همکارانش، ۲۰۲۵). یافته‌های کاسترو و همکارانش درباره تجربه مادران در حمایت‌های دوران شیردهی با تمرکز بر حمایت اجتماعی، عاطفی و آموزشی، با مضمون مطالعه

حاضر در زمینه نیازهای حمایتگرانه مادران ایرانی پیوند دارد. هر دو مطالعه نشان می‌دهند که کیفیت روابط و حمایت از مادر چه در نظام بهداشتی سوئد و چه در بافت اجتماعی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در احساس کفایت، آرامش و رضایت مادران ایفا می‌کنند.

محققان یک مطالعه با عنوان "اشتراک‌گذاری در چین: دیدگاه‌های مادران و نوجوانان" ارائه کردند (ژو و همکارانش، ۲۰۲۵). مطالعه ژو و همکارانش بر پدیده اشتراک‌گذاری دیجیتال و مدیریت هویت مادران در فضای مجازی متمرکز است. با مطالعه حاضر از منظر دغدغه‌های جدید مادران در جوامع معاصر ارتباط دارد. همان‌طور که مطالعه حاضر به تحولات فرهنگی و فشارهای اجتماعی بر مادران ایرانی در دنیای مدرن پرداخته، مطالعه ژو و همکارانش نیز نشان می‌دهد که چگونه فناوری و رسانه اجتماعی موجب بروز چالش‌های تازه‌ای در روابط مادری و هویت فردی می‌شود. در مجموع مطالعه اولادجی و همکاران، کاسترو و همکاران، ژو و همکاران در کنار مطالعه حاضر لایه‌های متفاوتی از تجربه مادری در بستر کنونی را در بافت‌های فرهنگی گوناگون روشن می‌سازد و به غنای نظری و مقایسه‌ای مطالعه می‌افزایند (کاکس و همکارانش، ۲۰۲۵). این مطالعه با هدف بررسی تجربیات مادران در سوئد، کشوری با تعهد قوی به برابری جنسیتی در فرزندپروری و بدون قرنطینه در طول همه‌گیری کووید-۱۹ انجام شد. این مطالعه با مقایسه تجربیات مادران سوئدی با مادران در کشورهایی با هنجارهای جنسیتی و سیاست‌های قرنطینه متفاوت (مانند بریتانیا و ایالات متحده)، به دنبال درک چگونگی تأثیر این همه‌گیری بر زندگی مادران، از جمله نگرانی‌های مالی، رفاه خانواده و سیستم‌های حمایتی بود. داده‌ها از ۱۹۳ مادر از طریق سؤالات باز جمع‌آوری و به صورت کیفی تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که مادران در سراسر این کشورها در طول همه‌گیری با چالش‌های مختلفی از جمله نگرانی‌های مالی و نگرانی در مورد رفاه خانواده مواجه بودند. در دسترس بودن و کیفیت حمایت از منابع خارجی در بین شرکت‌کنندگان به طور قابل توجهی متفاوت بود. با وجود این چالش‌ها، برخی جنبه‌های مثبت مانند احساس قدرت‌دانی، افزایش نزدیکی و بهبود تعاملات والدین مشترک گزارش شد. این مطالعه بر اهمیت در نظر گرفتن کار عاطفی در فرزندپروری و نیاز به سیستم‌های حمایتی برای کمک به والدین در عبور از بحران‌هایی مانند همه‌گیری کووید-۱۹ و پس از آن تأکید دارد.

محقق یک مطالعه با عنوان "تجربیات و چالش‌های مادران در بزرگ کردن کودک مبتلا به اختلال طیف اوتیسم: یک مطالعه کیفی" ارائه نمودند (پاپادوپولوس، ۲۰۲۱). این مطالعه با هدف بررسی تجربیات زیسته مادران یونانی در پرورش فرزندان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم انجام شد، حوزه‌ای که علی‌رغم اهمیت آن برای سلامت عمومی و جامعه، توجه محدودی در

تحقیقات به آن شده است. محققان با بررسی دیدگاه مادران، در پی کسب بینش در مورد چالش‌ها و بارهای منحصر به فردی بودند که این مادران با آن مواجه هستند. ۹ مادر یونانی دارای فرزند مبتلا به اختلال اوتیسم در مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته شرکت کردند و رونوشت‌های حاصل از طریق تحلیل پدیدارشناسی تفسیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این تحلیل سه مضمون به هم پیوسته را که در تجربیات شرکت‌کنندگان رایج بود، شناسایی کرد: مادران گزارش دادند که با چالش‌های عاطفی و پریشانی قابل توجهی در رابطه با بزرگ کردن فرزند مبتلا به بیماری مواجه هستند. تأثیر بیمار بر پویایی و عملکرد خانواده یکی دیگر از نگرانی‌های مهم گزارش شده توسط مادران بود. شرکت‌کنندگان چالش‌های مرتبط با تعاملات اجتماعی، انگ اجتماعی و حمایت جامعه را هنگام بزرگ کردن فرزند مبتلا به بیماری برجسته کردند. یکی از یافته‌های کلیدی در میان این مضامین، احساس فراگیر بارِ مسؤولیت، پریشانی و آسیب‌پذیری تجربه شده توسط مادران بود. این مطالعه بر اهمیت پرداختن به نیازهای منحصر به فرد خانواده‌هایی که از کودکان مبتلا به بیماری اوتیسم مراقبت می‌کنند، تأکید دارد.

مقایسه مطالعه حاضر با مطالعات پیشین: پژوهش فعلی بر خلاف بسیاری از مطالعات پیشین که صرفاً به توصیف نقش مادری محدود شده‌اند، بر چندبعدی تجربه مادری تأکید دارد و با تلفیق ۵ نظریه (نقش اجتماعی، فمینیستی، سیستمی، فرهنگی-تاریخی و یادگیری اجتماعی) توانسته است ساختار پیچیده دغدغه‌های زنان را در بستر فرهنگی بابل بازنمایی کند. این رویکرد آن را از بیشتر تحقیقات داخلی و خارجی که معمولاً تنها از یک چارچوب جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی استفاده کرده‌اند، متمایز می‌کند.

۲-۲- پیشینه نظری

دغدغه‌های مادران ایرانی در عصر حاضر را می‌توان از طریق چارچوب‌های نظری مختلف در حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مطالعات جنسیتی بررسی کرد. در اینجا به برخی از مبانی نظری مرتبط که می‌توانند به زمینه‌سازی و تحلیل این دغدغه‌ها کمک کنند، اشاره می‌کنیم.

- نظریه نقش اجتماعی^۱: این نظریه جامعه‌شناختی فرض می‌کند که نقش‌های اجتماعی، مانند مادری رفتارها، نگرش‌ها و انتظارات افراد را شکل می‌دهند. زنان ایرانی به‌عنوان مادر، ممکن است با چالش‌ها و انتظارات خاصی

^۱ Social role theory

واکاوی دغدغه‌های مادران ایرانی در بستر کنونی: یک مطالعه کیفی در شهرستان بابل استان مازندران

سیده مریم حمیدانی، صادق صالحی، مهربان پارسامهر

روبه‌رو شوند که توسط فرهنگ و جامعه آن‌ها تعریف می‌شود. این نظریه می‌تواند به ما در درک چگونگی تأثیر این نقش‌های اجتماعی بر دغدغه‌ها و تجربیات مادران ایرانی کمک کند (اشنایدر و باس، ۲۰۱۹). از مادران ایرانی، مانند مادران در سایر فرهنگ‌ها، انتظار می‌رود مسؤولیت‌ها و تعهدات مختلفی را در رابطه با تربیت فرزند، مدیریت خانه و حفظ روابط خانوادگی انجام دهند. تجزیه و تحلیل این انتظارات نقشی می‌تواند به محققان در درک دغدغه‌ها و چالش‌های خاص مادران ایرانی کمک کند. مادران ایرانی ممکن است بین نقش‌های خود به‌عنوان مادر، همسر، دختر و شغل و همچنین انتظاراتی که با هر نقش همراه است، دچار تعارض شوند. آن‌ها همچنین ممکن است به دلیل خواسته‌های مادری و فشارهای اجتماعی با مشکل مواجه شوند. نظریه نقش اجتماعی می‌تواند به محققان کمک کند تا بررسی کنند که چگونه این تعارض‌ها و فشارها در نگرانی‌های مادران ایرانی نقش دارند. جامعه ایران تحت تأثیر عوامل فرهنگی، تاریخی و مذهبی است که انتظارات و هنجارهای مرتبط با مادری را شکل می‌دهند. به‌کارگیری نظریه نقش اجتماعی می‌تواند به محققان کمک کند تا بررسی کنند که چگونه این عوامل در تجربیات و نگرانی‌های منحصربه‌فرد مادران ایرانی نقش دارند. جامعه ایران در دهه‌های اخیر دستخوش تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل توجهی شده است. نظریه نقش اجتماعی می‌تواند چارچوبی برای درک چگونگی تأثیر این تغییرات بر نقش مادری و تجربیات مادران ایرانی فراهم کند. فرض اصلی این نظریه آن است که رفتارها و نگرش‌های افراد از نقش‌های اجتماعی و انتظارات فرهنگی سرچشمه می‌گیرند. از این دیدگاه، مادران ایرانی بین چند نقش متعارض-مادر، همسر، شاغل گیر افتاده‌اند که هر کدام با توقعات خاصی از تربیت فرزند همراه است. تحلیل پژوهش نشان می‌دهد تضاد این نقش‌ها منشأ اضطراب و پیچیدگی در شیوه‌های فرزندپروری است.

- نظریه فمینیستی: نظریه فمینیستی به بررسی روش‌هایی می‌پردازد که جنسیت، قدرت و ساختارهای اجتماعی بر زندگی زنان تأثیر می‌گذارند. با به‌کارگیری نظریه فمینیستی، می‌توانیم چالش‌ها و دغدغه‌های منحصربه‌فردی را که مادران ایرانی در زمینه نابرابری جنسیتی و انتظارات اجتماعی با آن مواجه هستند، تحلیل کنیم (مارونی، ۱۹۸۵). نظریه فمینیستی می‌تواند به محققان کمک کند تا درک کنند که چگونه ساختارهای مردسالارانه و هنجارهای جنسیتی در جامعه ایران، تجربیات و دغدغه‌های مادران ایرانی را شکل می‌دهند، مانند ایجاد تعادل بین مسؤولیت‌های خانگی با کار یا هدایت انتظارات اجتماعی در مورد مادری و زندگی خانوادگی. مادران ایرانی ممکن است با چالش‌ها و فشارهای خاصی در رابطه با جامعه‌پذیری جنسیتی و انتظاراتی که از آن‌ها به‌عنوان زن

و مادر می‌شود، روبه‌رو شوند. نظریه فمینیستی می‌تواند بینش‌هایی در مورد چگونگی تأثیر این نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی بر دغدغه‌ها و تجربیات آن‌ها ارائه دهد. مادران ایرانی ممکن است براساس هویت‌های متقاطع خود، مانند طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، قومیت یا موقعیت شهری/روستایی، تجربیات و دغدغه‌های متنوعی داشته باشند. نظریه فمینیستی می‌تواند به محققان کمک کند تا بررسی کنند که چگونه این هویت‌های همپوشانی، چالش‌ها و نگرانی‌های منحصر به فردی را که گروه‌های مختلف مادران ایرانی با آن مواجه هستند، شکل می‌دهند. نظریه فمینیستی می‌تواند پویایی‌های قدرت در خانواده‌ها، جوامع و جامعه را که ممکن است بر نگرانی‌ها و تجربیات مادران ایرانی تأثیر بگذارد، روشن کند. این می‌تواند شامل تحلیل چگونگی تأثیر عوامل فرهنگی، مذهبی یا سیاسی بر این پویایی‌های قدرت باشد. این نظریه به بررسی روابط قدرت، ساختار مردسالار و نابرابری جنسیتی در شکل‌گیری تجربه مادری می‌پردازد. در این مطالعه از این دیدگاه برای تحلیل موقعیت مادر و خانواده و جامعه استفاده شده است. به‌صورت تحلیلی تأکید بر این نکته است که محدودیت‌های جنسیتی چگونه فرصت‌های رشد، استقلال و تصمیم‌گیری تربیتی مادران را محدود می‌کند و در نهایت بر کیفیت رشد فرزندان اثر غیرمستقیم دارد.

- نظریه سیستم‌های خانواده^۱: این نظریه، خانواده را به‌عنوان یک سیستم پیچیده و به هم پیوسته می‌بیند که در آن اعمال یک عضو می‌تواند بر کل واحد خانواده تأثیر بگذارد. این نظریه می‌تواند بینش‌هایی در مورد چگونگی شکل‌گیری دغدغه‌ها و تجربیات مادران ایرانی توسط پویایی‌های درون خانواده‌هایشان ارائه دهد (فولی، ۲۰۱۸). با بررسی پویایی‌های خانواده، محققان می‌توانند بررسی کنند که چگونه تعاملات و الگوهای ارتباطی در خانواده‌های ایرانی به نگرانی‌ها و تجربیات مادران ایرانی کمک می‌کند. نظریه سیستم‌های خانواده می‌تواند به محققان کمک کند تا نقش‌ها و انتظارات خاصی را که مادران ایرانی در خانواده‌های خود برآورده می‌کنند، شناسایی کنند و اینکه چگونه این نقش‌ها با نگرانی‌ها و تجربیات آن‌ها مرتبط است. بررسی مرزها در خانواده‌های ایرانی می‌تواند بینش‌هایی در مورد چگونگی هدایت نیازها و آرزوهای مادران در کنار مسؤولیت‌هایشان به‌عنوان مراقب فرزندان و اعضای خانواده ارائه دهد. این نظریه به‌مثابه سیستمی پویا و متعامل می‌بیند که هر متغیر در یک عضو، بر کل ساختار اثر می‌گذارد. در تحلیل این مطالعه، مادر به‌عنوان محور عاطفی خانواده شناخته می‌شود و سلامت روانی

^۱ Family systems theory

واکاوی دغدغه‌های مادران ایرانی در بستر کنونی: یک مطالعه کیفی در شهرستان بابل استان مازندران

سیده مریم حمیدانی، صادق صالحی، مهربان پارسامهر

یا فشارهای او مستقیماً بر رفتار فرزندان منعکس می‌شود. بنابراین تعادل و انسجام سیستم خانوادگی شرط اساسی رشد سالم کودک است.

- نظریه فرهنگی-تاریخی^۱: این نظریه بر تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر رشد شناختی و تجربیات افراد تمرکز دارد. به کارگیری این نظریه می‌تواند به ما در درک تأثیر بافت فرهنگی و تاریخی منحصر به فرد مشارکت‌کننده بر نگرانی‌ها و تجربیات مادران ایرانی کمک کند (دوی و همکارانش، ۲۰۱۶). نظریه فرهنگی-تاریخی می‌تواند به محققان کمک کند تا درک کنند که چگونه بافت فرهنگی ایران، از جمله باورهای مذهبی، ارزش‌های سنتی و هنجارهای اجتماعی، تجربیات و دغدغه‌های مادران ایرانی را در حین ایفای نقش‌هایشان در خانواده‌ها و جوامعشان شکل می‌دهد. در چارچوب نظریه فرهنگی-تاریخی، مفهوم "منطقه تقریبی رشد" بر این نکته تأکید دارد که رشد شناختی و هیجانی فرد نه در خلأ، بلکه در بستر تعاملات اجتماعی و حمایت محیطی تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، توانایی‌های بالقوه فرد زمانی بالفعل می‌شوند که از حمایت‌های اجتماعی، عاطفی و آموزشی مناسب در فرآیند یادگیری و تجربه زندگی بهره‌مند گردد. در این زمینه، محققان می‌توانند بررسی کنند که چگونه مادران ایرانی به حمایت اجتماعی از اعضای خانواده، دوستان یا منابع جامعه برای رسیدگی به دغدغه‌ها و چالش‌های خود دسترسی پیدا می‌کنند و از آن استفاده می‌کنند. نظریه فرهنگی-تاریخی تأثیر ابزارهای فرهنگی بر رشد شناختی و تعاملات اجتماعی را برجسته می‌کند. در چارچوب ادبیات تحقیق، محققان می‌توانند بررسی کنند که چگونه مادران از منابع فرهنگی، مانند خرد سنتی، شبکه‌های خانوادگی یا فناوری، برای بهبود شیوه‌های فرزندپروری خود و رسیدگی به دغدغه‌هایشان استفاده می‌کنند. بر مبنای دیدگاه ویگوتسکی این نظریه نقش فرهنگ، سنت و تاریخ اجتماعی را در شکل‌دهی فرآیندهای شناختی و رفتاری تبیین می‌کند. در این مطالعه مادران ایرانی حامل ارزش‌های فرهنگی خاصی در تربیت فرزند هستند. مثلاً آموزه‌های دینی، هنجارهای اخلاقی و نقش‌های فمینیستی-تاریخی. تحلیل نشان می‌دهد که این زمینه فرهنگی هم می‌تواند منبع ثبات و هویت باشد، هم عامل فشار روانی برای سازگاری با جهان مدرن.
- نظریه یادگیری اجتماعی^۲: نظریه یادگیری اجتماعی بر نقش مشاهده و الگوبرداری در یادگیری و رفتار تأکید دارد. این نظریه می‌تواند بینش‌هایی در مورد چگونگی شکل‌گیری نگرانی‌های مادران ایرانی توسط رفتارها و

¹ Cultural-historical theory

² Social learning theory

تجربیات اطرافیان‌شان و همچنین بافت اجتماعی گسترده‌تر ارائه دهد (لی و هانسر، ۲۰۲۱). مادران به‌عنوان الگوهای مهمی برای فرزندان خود عمل می‌کنند و رفتارها و نگرش‌هایی را نشان می‌دهند که فرزندان‌شان ممکن است از آن‌ها تقلید کنند. نظریه یادگیری اجتماعی می‌تواند به محققان کمک کند تا درک کنند که چگونه مادران ایرانی از طریق الگوسازی بر رفتار و رشد فرزندان خود تأثیر می‌گذارند و چگونه آن‌ها به نوبه خود از مشاهده سایر والدین یا الگوها یاد می‌گیرند. مادران ایرانی همچنین ممکن است از همسالان خود، مانند دوستان، اعضای خانواده یا سایر والدین در جامعه خود یاد بگیرند. نظریه یادگیری اجتماعی بر اهمیت این شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به شیوه‌های فرزندپروری مادران و رسیدگی به دغدغه‌های آن‌ها تأکید می‌کند. نظریه یادگیری اجتماعی بر نقش تشویق و تنبیه در شکل‌دهی رفتار تأکید دارد. در این زمینه، محققان می‌توانند بررسی کنند که چگونه مادران ایرانی از این استراتژی‌ها برای مدیریت رفتارهای فرزندان‌شان و آموزش مهارت‌های اجتماعی مناسب به آن‌ها استفاده می‌کنند. این دیدگاه بر یادگیری از طریق مشاهده و تقلید از الگوهای رفتاری تأکید دارد. در مطالعه حاضر مادران نقش مدل رفتاری و تربیتی فرزندان را برعهده دارند. کودکان از طریق مشاهده رفتار مادر، ارزش‌ها، شیوه‌های ارتباط و حتی مدیریت بحران را می‌آموزند. تحلیل نشان می‌دهد که تجربه زیستن و تعامل روزمره مادر بیشتر تأثیر را در شکل‌گیری هویت کودک دارد.

۳- روش پژوهش

اهمیت این پژوهش در بررسی دغدغه‌های معاصر مادران ایرانی است. درک تجربیات و چالش‌های پیش روی مادران برای اطلاع‌رسانی سیاست‌ها و برنامه‌هایی که از رفاه مادران و خانواده‌های آن‌ها حمایت می‌کند، حیاتی است. علاوه بر این، این پژوهش به مجموعه دانش در مورد عوامل شخصی، اجتماعی و فرهنگی که تجارب مادری را در ایران شکل می‌دهند، کمک می‌کند. پارادایم پژوهش کیفی چارچوب مهمی برای بررسی تجربیات پیچیده و ظریف مادران ایرانی فراهم می‌کند.

۳-۱- نمونه‌گیری پژوهش

نمونه پژوهش شامل انجام ۱۴ مصاحبه عمیق با مادران با پیشینه‌های مختلف در استان مازندران، شهر بابل بود. علت انتخاب شهر بابل به‌عنوان نمونه پژوهش بر پایه ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی متمایز آن انجام شده است. این شهر به‌عنوان یکی از مراکز شهری مهم در استان مازندران، برخوردار از ترکیبی از ویژگی‌های مدرن و سنتی در

سبک زندگی، ساختار خانواده و نقش پذیری زنان است، به گونه‌ای که می‌تواند تصویری گویا از گذار فرهنگی مادران ایرانی از الگوهای سنتی به مدرن ارائه دهد. علاوه بر این بابل دارای شبکه نسبتاً گسترده‌ای از مراکز خدمات سلامت، آموزش و حمایت اجتماعی است که امکان مشاهده و بررسی تجربیات متنوع مادران در زمینه دغدغه‌ها و چالش‌های دوران مادری را فراهم می‌کند. از این رو، می‌توان گفت که انتخاب این شهر نه به صورت تصادفی بلکه با رویکردی هدفمند و نظری و با هدف دسترسی به بافتی چندوجهی و نماینده از تحولات فرهنگی-اجتماعی زنان ایرانی انجام گرفته است. حجم نمونه براساس اصل اشباع^۱ داده‌ها که پس از مصاحبه^{۱۴}م به دست آمد، تعیین شد. اشباع داده‌ها به نقطه‌ای در فرآیند تحقیق کیفی اشاره دارد که در آن هیچ اطلاعات جدیدی از جمع‌آوری داده‌های اضافی پدیدار نمی‌شود و نشان می‌دهد که درک کافی از پدیده‌های مورد بررسی به دست آمده است. شرکت کنندگان با استفاده از یک استراتژی نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و اطمینان حاصل شد که نمونه طیفی از تجربیات و دیدگاه‌های مادران با پیشینه‌های متنوع را در بر می‌گیرد. این رویکرد نمونه‌گیری امکان بررسی دیدگاه‌های مختلف را فراهم می‌کند و امکان شناسایی موضوعات و تجربیات مشترک بین مادران را فراهم می‌کند. با رسیدن به اشباع داده‌ها، این پژوهش نشان می‌دهد که درک جامعی از نگرانی‌ها و چالش‌های پیش روی مادران ایرانی در این زمینه به دست آمده است. در جدول شماره ۱ اطلاعات نمونه‌گیری پژوهش نشان داده شده است. براساس مصاحبه عمیق با ۱۴ مادر به اشباع داده‌ها دست یافتیم و فرآیند مصاحبه به پایان رسید.

جدول ۱. اطلاعات نمونه‌گیری پژوهش

ردیف	مشخصه	توضیحات
۱	بستر پژوهش	استان مازندران، شهر بابل
۲	حجم نمونه	۱۴ شرکت کننده (مادران بابی)
۳	ابزار	مصاحبه عمیق
۴	استراتژی نمونه‌گیری	هدفمند
۵	شرط پایان مصاحبه‌ها	اشباع داده‌ها

^۱ Saturatio

۳-۲- گردآوری داده‌ها

جمع‌آوری داده‌ها برای این مطالعه کیفی عمدتاً از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته انجام شد. این روش امکان بررسی دقیق تجربیات، نظرات و احساسات شرکت‌کنندگان در رابطه با دغدغه‌های آن‌ها به‌عنوان مادران را در عصر حاضر فراهم کرد. مصاحبه‌ها با مجموعه‌ای از ۱۸ سؤال باز هدایت می‌شدند که برای استخراج روایت‌های شرکت‌کنندگان طراحی شده بودند. ماهیت منعطف مصاحبه‌ها، محقق را قادر ساخت تا سؤالات را با توجه به شرایط و ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر مصاحبه‌شونده تطبیق دهد. این رویکرد تضمین می‌کند که داده‌های جمع‌آوری‌شده مرتبط با زمینه هستند و تجربیات مادران را به تصویر می‌کشند. در جدول شماره ۳ مجموعه سؤالات باز مصاحبه بیان شده است. سؤالات بر حسب جریان مصاحبه هر شرکت‌کننده براساس جریان گفت‌وگو پرسیده شد و شرط محرمانگی داده و حفظ حریم خصوصی شرکت‌کنندگان تضمین شد. در جدول شماره ۲ اطلاعات مشارکت‌کنندگان مصاحبه‌ها نشان داده شده است. تلاش شد تا با استفاده از یک استراتژی نمونه‌گیری هدفمند طیف مختلفی از مادران ایرانی با تجربیات متفاوت را دعوت به مصاحبه کنیم.

جدول ۲. اطلاعات مشارکت‌کنندگان پژوهش

شماره مصاحبه	نام / کد	تاریخ تولد	مدرک تحصیلی	تعداد فرزندان
۱	فاطمه / ۰۱	۱۳۶۵	لیسانس	۲
۲	الهام / ۰۲	۱۳۷۲	لیسانس	۱
۳	سارا / ۰۳	۱۳۶۲	فوق لیسانس	۲
۴	زینب / ۰۴	۱۳۷۱	دیپلم	۳
۵	مریم / ۰۵	۱۳۵۴	فوق دیپلم	۲
۶	باران / ۰۶	۱۳۷۲	لیسانس	۱
۷	سمیه / ۰۷	۱۳۶۲	دکتری	۱
۸	نوشین / ۰۸	۱۳۵۲	دیپلم	۳
۹	مارال / ۰۹	۱۳۶۶	لیسانس	۱
۱۰	مریم / ۱۰	۱۳۶۸	فوق لیسانس	۲
۱۱	سعیده / ۱۱	۱۳۷۶	دیپلم	۱

واکاوی دغدغه‌های مادران ایرانی در بستر کنونی: یک مطالعه کیفی در شهرستان بابل استان مازندران

سیده مریم حمیدانی، صادق صالحی، مهربان پارسامهر

شمارهٔ مصاحبه	نام / کد	تاریخ تولد	مدرک تحصیلی	تعداد فرزندان
۱۲	عاطفه / ۱۲	۱۳۶۶	لیسانس	۱
۱۳	انیس / ۱۳	۱۳۵۵	لیسانس	۲
۱۴	ستاره / ۱۴	۱۳۷۳	دیپلم	۲

جدول ۳. مجموعه سؤالات باز مصاحبه

شماره	سوال باز
۱	تحصیلات فرزندتان چقدر برای شما مهم است و چه نگرانی‌هایی در رابطه با سطح تحصیلات او دارید؟
۲	چه اقداماتی انجام می‌دهید تا اطمینان حاصل کنید که فرزندتان آموزش با کیفیتی دریافت می‌کند و به پتانسیل کامل خود می‌رسد؟
۳	نگرانی‌های شما در مورد فرصت‌های شغلی آیندهٔ فرزندتان چیست و چگونه به آن‌ها رسیدگی می‌کنید؟
۴	چگونه فرزند خود را برای بازار کار آینده آماده می‌کنید و چگونه از آرزوهای شغلی و مالی او حمایت می‌کنید؟
۵	چه نگرانی‌هایی در مورد درآمد آیندهٔ فرزندتان دارید و چگونه می‌تواند بر رفاه و استقلال آن‌ها تأثیر بگذارد؟
۶	چگونه برنامه‌ریزی می‌کنید که فرزندتان را چه در دوران تحصیل و چه در زمان ورود به نیروی کار حمایت مالی کنید؟
۷	اعتیاد به مواد مخدر در میان جوانان جامعه چقدر شایع است و چه نگرانی‌هایی در مورد تأثیر آن بر فرزندتان دارید؟
۸	از چه راهکارهایی برای آموزش فرزندتان در مورد خطرات اعتیاد به مواد مخدر و محافظت از آن‌ها در برابر خطرات احتمالی آن استفاده می‌کنید؟
۹	برای جلوگیری از اعتیاد، چگونه بر زمان استفاده از بازی‌های ویدیویی و شبکه‌های مجازی فرزندتان نظارت می‌کنید؟
۱۰	برای تشویق فرزندتان به انجام فعالیت‌های مختلف و حفظ سبک زندگی متعادل چه اقداماتی انجام می‌دهید؟
۱۱	چگونه به فرزند خود یاد می‌دهید که در رسانه‌های اجتماعی مسئولانه و ایمن‌تر حرکت کند و مراقب باشد؟
۱۲	چه نگرانی‌هایی در مورد تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر سلامت روان و فکر فرزندتان، همسرانتان و خودتان دارید؟

شماره	سوال باز
۱۳	آیا چالش‌های ارتباطی با فرزندان را تجربه کرده‌اید و چگونه برای تقویت درک بهتر بین خود کار می‌کنید؟
۱۴	از چه راهکارهایی برای بهبود ارتباطات و ایجاد پیوند قوی‌تر با فرزندان استفاده می‌کنید و این مسأله چقدر تأثیر دارد؟
۱۵	آیا به‌عنوان یک مادر شاغل با فشارهای اجتماعی یا انتقادی خانوادگی و جامعه سنتی مواجه شده‌اید؟
۱۶	در حین مدیریت انتظارات اجتماعی، چگونه بین شغل و مسؤولیت‌های مادری خود تعادل برقرار می‌کنید؟
۱۷	به دلیل حمایت ناکافی دولت از مادران و خانواده‌ها با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستید و چگونه می‌توان به مادران از این طریق کمک کرد؟

۳-۳- فرآیند تحلیل داده‌ها

فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مطالعه کیفی از سه مرحله کدگذاری نظری: کدگذاری باز^۱، محوری^۲ و انتخابی^۳ استفاده می‌کند. این روش امکان تجزیه و تحلیل سیستماتیک و دقیق داده‌های مصاحبه عمیق را فراهم کرد تا درک جامعی از نگرانی‌های مادران ایرانی ایجاد شود. کدگذاری باز، مرحله اولیه تجزیه و تحلیل، شامل بررسی مصاحبه‌های رونویسی شده و شناسایی، نام‌گذاری و دسته‌بندی مفاهیم و مضامین در حال ظهور در داده‌ها بود. این فرآیند به محقق اجازه داد تا روایت‌های شرکت‌کنندگان را از نزدیک بررسی کند و مسائل و نگرانی‌های کلیدی مرتبط با اهداف تحقیق را شناسایی کند. همچنین، کدگذاری محوری، براساس دسته‌بندی‌های ایجاد شده در مرحله کدگذاری باز ساخته شده است. در این مرحله، محقق بر پیوند و پالایش مقوله‌ها، شناسایی روابط بین آن‌ها و بررسی علل، زمینه‌ها و پیامدهای آن‌ها تمرکز کرد. این فرآیند به توسعه درک پیچیده‌تر و یکپارچه‌تر از تجربیات شرکت‌کنندگان کمک کرد. در نهایت، کدگذاری انتخابی شامل یکپارچه‌سازی و پالایش مهم‌ترین مقوله‌ها و روابط شناسایی شده در مراحل قبلی برای ایجاد مقوله‌های هسته‌ای است که به بهترین وجه مضامین و مفاهیم کلیدی را در داده‌ها نشان می‌دهند. در این مطالعه برای تضمین روایی و پایایی از راهبردهای استاندارد کیفی بهره برده است. نخست، اعتبار درونی از طریق بازبینی مکرر کدها و تأیید مشارکت‌کنندگان

¹ Open coding

² Axial coding

³ Selective coding

تضمین شده، دوم، قابلیت اعتماد با استفاده از کدگذاری هم‌زمان توسط دو پژوهشگر و مقایسه نتایج و سوم، انتقال‌پذیری یافته‌ها با توصیف دقیق زمینه فرهنگی بابل و ارائه نقل قول‌های مستقیم از مادران برقرار گردیده است.

۳-۴- ملاحظات اخلاقی

در تحقیقات کیفی که به بررسی دغدغه‌های مادران ایرانی می‌پردازد، رعایت ملاحظات اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا داده‌های جمع‌آوری شده اغلب شامل تجربیات شخصی و اطلاعات حساس زندگی افراد می‌باشد. نخستین و مهم‌ترین اصل اخلاقی، رضایت آگاهانه است. مادران باید پیش از آغاز مصاحبه یا هر روش جمع‌آوری داده، به‌طور کامل از هدف تحقیق، نحوه استفاده از داده‌ها، مدت زمان مطالعه و نوع پرسش‌ها مطلع شوند و آزاد باشند در هر زمان بدون هیچ فشار یا پیامد منفی از شرکت در تحقیق انصراف دهند. همچنین، حفظ محرمانگی و حریم خصوصی شرکت‌کنندگان اهمیت بالایی دارد. اطلاعات هویتی مانند مشخصات کامل، شماره تماس و محل زندگی باید رمزگذاری یا حذف شوند و در گزارش‌ها و انتشار نتایج، هویت شرکت‌کنندگان کاملاً محافظت شود. توجه به فرهنگ و ارزش‌های مادران ایرانی نیز ضروری است، پژوهشگر باید نسبت به حساسیت‌های فرهنگی آگاه باشد و در طول مصاحبه با احترام و ادب رفتار کند و از تحمیل نظرات یا قضاوت‌ها پرهیز نماید. علت انتخاب رویکرد داده‌بنیاد در این پژوهش، اساس علمی و متقن تحقیق را شکل می‌دهد؛ چراکه این رویکرد بر جمع‌آوری و تحلیل شواهد عینی و تجربی متمرکز است و با کاهش سوءگیری‌های احتمالی در این تحقیق، عینیت و اعتبار یافته‌ها را تضمین می‌کند. همچنین فرآیند شفاف و مستند تحلیل داده‌ها، امکان راستی-آزمایی را فراهم کرده و به کشف درک عمیق و جامعی از تجربیات شرکت‌کنندگان (مادران ایرانی) منجر می‌شود که این خود با اهداف ذاتی پژوهش کیفی و لزوم رعایت اصول اخلاقی در پژوهش هم‌راستا است.

۴- یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های پژوهش به‌صورت دقیق، مرحله‌به‌مرحله و نظام‌مند ارائه گردید تا روند تحلیل داده‌ها با شفافیت کامل برای خواننده آشکار شود. این بخش، به‌منزله قلب پژوهش، مسیر تحلیل داده‌های کیفی را از کدگذاری باز تا کدگذاری محوری و انتخابی دنبال می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه از میان ۶۱ کد باز، ۱۴ مقوله اصلی و درنهایت ۶ مقوله هسته‌ای استخراج شده‌اند. در این مسیر، تحلیل داده‌ها به شکلی پویا و بازتابی انجام شد، به‌گونه‌ای که روایت‌های مشارکت‌کنندگان

با تفسیر تحلیلی پژوهشگر درهم تنید و به فهمی عمیق از تجربه زیسته مادران ایرانی در بستر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی معاصر انجامید. یافته‌ها بیان‌گر آن‌اند که تجربه مادری در ایران امروز، عرصه‌ای چندبعدی و پیچیده است که در آن دغدغه‌های فرزندپروری، انتظارات اجتماعی و فرهنگی، فشارهای اقتصادی، سلامت روان و نیاز به شبکه‌های حمایتی در تعامل مستمر با یکدیگر قرار دارند. نقل‌قول‌های دقیق از مشارکت‌کنندگان، نه تنها به اصالت و اعتبار داده‌ها می‌افزایند، بلکه لایه‌های پنهان تجربه مادران را نیز آشکار می‌سازند. همچنین، تحلیل‌های مقایسه‌ای نشان دادند که موقعیت اجتماعی و اقتصادی مادران، بر نحوه درک و اولویت‌بندی مسائل تأثیرگذار است، برای نمونه، مادران در طبقات مختلف، بر ابعاد متفاوتی از رشد کودک، سلامت روان یا دسترسی به منابع حمایتی تأکید داشته‌اند. جدول‌ها و نمودارهای تحلیلی ارائه‌شده در این بخش، ارتباط میان داده‌های خام، مقوله‌های مفهومی و ساختار نهایی نظری را نشان داده و روند گذار از داده به نظریه را مستند کرده‌اند. در پایان، مدل پارادایمی پژوهش به‌عنوان حاصل نهایی تحلیل‌ها، چارچوبی منسجم از روابط میان شرایط علی^۱، پدیده محوری^۲، عوامل زمینه‌ای^۳، شرایط مداخله‌گر^۴، راهبردهای کنشی^۵ و پیامدها^۶ را ترسیم می‌کند. این مدل نه تنها بیان‌گر انسجام درونی یافته‌هاست، بلکه امکان به‌کارگیری نتایج در سیاست‌گذاری‌های حمایتی، طراحی برنامه‌های تربیتی و مطالعات آتی را نیز فراهم می‌کند. در شکل‌گیری مدل نهایی پژوهش، نظریه نقش اجتماعی نقش راهبردی داشته است؛ زیرا چارچوب اصلی تبیین دغدغه‌های مادران بر پایه تأثیر انتظارات فرهنگی و اجتماعی، تقسیم نقش‌ها و فشارهای ساختاری بر مادران بنا شده است. این نظریه محور اتصال سایر رویکردها (فمینیستی، سیستمی و فرهنگی) در تحلیل این پژوهش بوده و به‌عنوان ستون مفهومی مدل تفسیر کیفی عمل کرده است.

۴-۱- کدگذاری باز

¹ Causal conditions

² Paradigm case

³ Cintextual factors

⁴ Intervening conditions

⁵ Action strategies

⁶ Cinsquences

در مرحله کدگذاری باز، متن‌های مصاحبه‌ها به دقت مطالعه شد و مفاهیم و مضامین اولیه شناسایی، نام‌گذاری و دسته‌بندی شدند. هدف این مرحله، استخراج مسائل و نگرانی‌های کلیدی مادران ایرانی بود و فراهم کردن پایه‌ای برای کدگذاری محوری و انتخابی. ۶۱ کد باز در این مرحله شناسایی شدند که در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. کدهای باز شناسایی شده

ردیف	کد باز	ردیف	کد باز
۱	فرزندپروری با نیازهای ویژه	۳۲	انگ اجتماعی مرتبط با سلامت روان
۲	سبک‌های فرزندپروری	۳۳	ایجاد تعادل بین آرزوهای شخصی و مادری
۳	تک‌فرزندی	۳۴	درک و مدیریت احساس گناه مادر
۴	تأکید بر آموزش	۳۵	پرورش عزت‌نفس مثبت
۵	رشد کودک	۳۶	مقابله با غم و اندوه مربوط به تجربیات مادری
۶	هوش عاطفی	۳۷	علائم پریشانی عاطفی در کودکان
۷	حمایت از مراقب از کودکان	۳۸	درک رشد کودک و نقاط عطف سلامت روان
۸	مهاجرت کودکان به خارج از کشور	۳۹	تقویت ارتباط باز در مورد سلامت روان
۹	انتظارات اجتماعی تحمیل شده به مادران	۴۰	مدیریت استرس و اضطراب کودکان
۱۰	لزوم حمایت‌های دولتی	۴۱	دسترسی به منابع بهداشت روان برای کودکان
۱۱	ایزوله‌سازی اجتماعی	۴۲	تقویت عزت‌نفس و اعتماد به نفس در کودکان
۱۲	تنظیم خانواده	۴۳	درک تأثیر فناوری بر سلامت روان کودکان
۱۳	اهمیت حرکت در هنجارهای فرهنگی	۴۴	تأثیر پویایی خانواده بر سلامت روان کودکان
۱۴	مشارکت پایین فرزندان در امور خانواده	۴۵	پرورش تاب‌آوری در کودکان
۱۵	نقش‌های جنسیتی	۴۶	تقویت روابط حمایتی با اعضای خانواده
۱۶	هویت فرهنگی	۴۷	ایجاد روابط دوستانه با اعضای خانواده
۱۷	استقلال جوانان	۴۸	دسترسی به منابع سازمان‌های محلی

ردیف	کد باز	ردیف	کد باز
۱۸	ایجاد تعادل بین شغل و مسؤولیت‌های مادری	۴۹	شرکت در گروه‌های بانوان
۱۹	نگرانی از آینده شغلی فرزندان	۵۰	کارگاه‌های فرزندپروری
۲۰	نگرانی از آینده مالی فرزندان	۵۱	حمایت از حقوق و نیازهای مادران
۲۱	فشارهای اقتصادی	۵۲	همکاری با سازمان‌های اجتماعی
۲۲	حمایت از مادران تنها	۵۳	مشارکت در بحث‌های مشاوره‌ای خانواده
۲۳	دسترسی به مراقب‌های بهداشتی	۵۴	اتخاذ سیاست‌های مؤثر حوزه بانوان
۲۴	هزینه سلامت	۵۵	ایجاد تعادل بین و آرزوهای شخصی با مسؤولیت‌ها
۲۵	فشارهای تحصیلی فرزندان	۵۶	بررسی نقاط قوت و ضعف شخصی
۲۶	اعتیاد به مواد مخدر	۵۷	پرورش یادگیری و رشد مادام‌العمر
۲۷	اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی فرزندان	۵۸	همدلی
۲۸	مقابله با استرس و اضطراب	۵۹	سازگاری
۲۹	مدیریت مراقبت از خود و رفاه شخصی	۶۰	ذهن باز
۳۰	بررسی چالش‌های سلامت روان پس از زایمان	۶۱	خلاقیت
۳۱	پرورش تاب‌آوری در مادران	کل	۶۱ کد باز

۴-۲- کدگذاری محوری

در روش کیفی پیشنهادی پس از شناسایی ۶۱ کد باز نوبت به تقسیم‌بندی کدهای باز در دسته‌های تحت عنوان کد محوری (مقوله اصلی) می‌رسد. در مرحله کدگذاری محوری، پژوهشگر با تحلیل تطبیقی و مقایسه‌ای میان کدهای باز، موفق به شناسایی ۱۴ مقوله اصلی شد که هر یک نمایان‌گر بُعدی از تجربه مادری در بستر فرهنگی و اجتماعی ایران (مطالعه موردی استان مازندران، شهر بابل) هستند. این مقوله‌ها حاصل تلفیق مفاهیم مشابه، دسته‌بندی در سطوح معنایی بالاتر و بازاندیشی

در ارتباط میان کدهای باز اولیه‌اند. در جدول شماره ۵ مقوله‌های اصلی به همراه تعداد کدهای باز متناظر نشان داده شده است.

جدول ۵. مقوله‌های اصلی و تعداد کدهای باز متناظر

ردیف	مقوله اصلی (کد محوری)	تعداد کد باز
۱	فرزندپروری	۳
۲	تربیت فرزند	۵
۳	انتظارات اجتماعی	۳
۴	انتظارات فرهنگی	۶
۵	نگرانی‌های اقتصادی	۵
۶	نگرانی‌های حوزه سلامت	۲
۷	نگرانی‌های عصر مدرن	۳
۸	سلامت روان مادر	۹
۹	سلامت روان فرزند	۹
۱۰	خانواده	۲
۱۱	سازمان‌های حمایتی	۳
۱۲	سازمان‌های دولتی	۴
۱۳	شخصیت فردی	۴
۱۴	شخصیت اجتماعی	۳

۳-۴- کدگذاری انتخابی

در مرحله کدگذاری انتخابی، پژوهشگر پس از شناسایی و تلفیق مقوله‌های محوری، به دنبال کشف هسته مرکزی پژوهش است که سایر مقوله‌ها در ارتباط مفهومی با آن معنا می‌یابند. در این مرحله، تحلیل عمیق‌تر مصاحبه‌ها و بازبینی روابط

میان مقوله‌های پیشین نشان داد که تجربه مادری در جامعه امروز ایران پدیده‌ای چندبعدی و پویا است که می‌توان آن را در قالب شش مقوله هسته‌ای تبیین کرد. این مقوله‌ها در تعامل مداوم با یکدیگر، مدل مفهومی نهایی پژوهش را شکل می‌دهند و بازتابی از درک مادران از نقش، هویت، چالش‌ها و رشد شخصی‌شان در بافت فرهنگی و اجتماعی معاصر هستند. در روش کیفی پیشنهادی از میان ۱۴ کد محوری شناسایی شده باید مقوله‌های هسته شناسایی شوند.

• مقوله هسته اول (رشد فرزندان):

این مقوله بیان‌گر محور اصلی دغدغه‌های مادران است؛ یعنی پرورش همه‌جانبه کودک در ابعاد جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی. مادران در این پژوهش رشد فرزندان را نه صرفاً تغذیه و تعلیم، بلکه فرآیندی پویا می‌دانند که شامل شکل‌گیری هویت، خودباوری و مسئولیت‌پذیری کودک است. از دید علمی، این مقوله با نظریه‌های رشد انسان مانند دیدگاه پیازه و ویگوتسکی همخوانی دارد که بر نقش محیط اجتماعی و تعامل مستمر با والدین تأکید دارند. دغدغه مادران در این زمینه، ایجاد فرصت‌های رشدی در بافت فرهنگی ایرانی است. مثلاً تربیت کودکانی که هم مستقل باشند و هم ارزش‌های خانوادگی را پاس بدارند.

مقوله هسته دوم (انتظارات اجتماعی و فرهنگی):

در بافت ایرانی، مادران زیر فشار شدید هنجارهای فرهنگی و نگاه جامعه بر تربیت فرزند قرار دارند. این مقوله توضیح می‌دهد چگونه انتظارات اجتماعی (مثل موفقیت تحصیلی، رفتار مودبانه یا نقش‌پذیری فمینیستی) بر شیوه‌های فرزندپروری اثر می‌گذارد. از دید تحلیلی مادران بین دو قطب انتظارات سنتی و واقعیت‌های مدرن در نوسان اند. مثلاً می‌خواهند کودکانی تربیت کنند که در جامعه رقابتی امروزی موفق باشند. اما هویت بومی و دینی خود را نیز حفظ کنند. فشار این انتظارات، گاه منجر به استرس تربیتی و تضاد نقش مادری می‌شود.

مقوله هسته سوم (نگرانی‌های زندگی):

این مقوله شامل اضطراب‌ها، مشکلات اقتصادی، ناپایداری اجتماعی و چالش‌های روزمره است که مستقیماً بر فرزندان اثر بازتابی دارند. مادرانی که تحت فشار معیشت یا بی‌ثباتی روانی‌اند، به‌صورت ناخواسته اضطراب را به الگوی تربیتی منتقل

می‌کنند. از دیدگاه علمی، این امر با نظریه اخلاق هیجانی خانواده همخوانی دارد؛ یعنی حالات عاطفی و نگرانی‌های والد به کودک منتقل می‌شود و در شکل‌گیری شخصیت او نقش دارد. در نتیجه نگرانی‌های زندگی مادران اگر به‌درستی مدیریت نشود، می‌تواند رشد هیجانی فرزندان را مختل کند یا آن‌ها را به سمت تاب‌آوری بیش از حد یا فرسودگی روانی سوق دهد.

مقاله هسته چهارم (سلامت روان):

سلامت روان مادر، یکی از ستون‌های اصلی سلامت روان کودک است. این مقوله بر تعادل روانی مادران، توانایی مدیریت استرس، مقابله با فشارهای نقش و حفظ آرامش در تربیت فرزند تمرکز دارد. از منظر علمی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مادران دارای سلامت روان بالا، محیطی امن و حمایت‌گر را برای فرزند فراهم می‌کنند و رابطه والد-کودک مثبت‌تری دارند. در مقابل افسردگی یا اضطراب مادر می‌تواند موجب مشکلات رفتاری و هیجانی در کودک شود. بنابراین در این پژوهش سلامت روان مادر به‌مثابه یک سرمایه تربیتی دیده شده است که زیربنای رشد سالم ذهن و شخصیت فرزند را شکل می‌دهد.

مقاله هسته پنجم (شبکه‌های پشتیبانی):

این مقوله نقش حمایت‌های اجتماعی، خانوادگی و نهادی را در کاهش فشارهای مادری و بهبود کیفیت تربیت فرزند توضیح می‌دهد. مادران با برخورداری از شبکه اجتماعی فعال (همسر، والدین، نهاد آموزش، خدمات اجتماعی) قادرند فرزندان را در محیطی با ثبات‌تر و عاطفی‌تر پرورش دهند. از دید نظری این مقوله با مدل اکوسیستم برون‌فراهمی تطابق دارد. یعنی کودک در شبکه‌ای از حلقه‌های حمایتی رشد می‌کند که مادر یکی از محوری‌ترین نقاط آن است. فقدان حمایت منجر به انزوای مادر و در نتیجه ضعف در کارکرد تربیتی می‌شود.

مقاله هسته ششم (رشد شخصی و خودشکوفایی):

آخرین مقوله وجه انسانی و درونی نقش مادری را نمایان می‌کند. تلاش مادر برای حفظ هویت فردی در کنار نقش والد بودن. مادران در این پژوهش بیان کرده‌اند که اگر خود مادر فرصت رشد، آموختن و شکوفایی داشته باشد، الگوی مثبتی برای فرزند فراهم می‌کند. از دید علمی بین خودشکوفایی مادر و انگیزش رشدی فرزند رابطه مستقیم وجود دارد. کودکان

از والدانی که رشد فردی دارند نقش الگوی پویاتر و اعتمادبه‌نفس بیشتری می‌گیرند. این مقوله بر نیاز مادر به آموزش مستمر، استقلال فکری و بازسازی هویت تأکید دارد تا فرزند رشد یافته‌ای تربیت شود که او نیز به خودشکوفایی برسد.

(جمع‌بندی مقوله‌های هسته:

در جمع‌بندی، تحلیل کدگذاری انتخابی نشان داد که تجربه مادری در جامعه معاصر ایران پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر تعامل پیچیده‌ای میان رشد فرزندان، انتظارات اجتماعی و فرهنگی، نگرانی‌های زندگی، سلامت روان، شبکه‌های پشتیبانی و رشد شخصی و خودشکوفایی شکل می‌گیرد. این شش مقوله هسته‌ای، مفاهیم و مقوله‌های محوری پیشین را در یک چارچوب منسجم گردآوری کرده و ساختار تجربه مادری را به صورت یک کل واحد و همبسته تبیین می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مادری تنها یک نقش خانوادگی نیست، بلکه فرآیندی پویا و چندبعدی است که هم‌زمان شامل پرورش کودکان، مواجهه با فشارهای اجتماعی و اقتصادی، مراقبت از سلامت روان، بهره‌گیری از شبکه‌های حمایتی و رشد فردی مادر می‌شود. این چارچوب مفهومی، پایه‌ای محکم برای درک جامع دغدغه‌ها و تجربیات مادران ایرانی فراهم می‌آورد و امکان تحلیل عمیق‌تر پیامدها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مادری را نیز فراهم می‌سازد. در جدول شماره ۶ رابطه بین مقوله‌های هسته و اصلی را نشان می‌دهد.

جدول ۶. رابطه بین مقوله‌های هسته و اصلی

مقوله اصلی مرتبط (کدگذاری محوری)	مقوله هسته (کدگذاری انتخابی)	ردیف
فرزندپروری	رشد فرزندان	۱
تربیت فرزند		۲
انتظارات اجتماعی	انتظارات اجتماعی و فرهنگی	۳
انتظارات فرهنگی		۴
نگرانی‌های اقتصادی	نگرانی‌های زندگی	۵
نگرانی‌های حوزه سلامت		۶
نگرانی‌های عصر مدرن		۷
سلامت روان مادر	سلامت روان	۸
سلامت روان فرزند		۹

واکاوی دغدغه‌های مادران ایرانی در بستر کنونی: یک مطالعه کیفی در شهرستان بابل استان مازندران

سیده مریم حمیدانی، صادق صالحی، مهربان پارسامهر

ردیف	مقوله هسته (کدگذاری انتخابی)	مقوله اصلی مرتبط (کدگذاری محوری)
۱۰	شبکه‌های پشتیبان	خانواده
۱۱		سازمان‌های حمایتی
۱۲		سازمان‌های دولتی
۱۳	رشد شخصی و خودشکوفایی	شخصیت فردی
۱۴		شخصیت اجتماعی

۴-۴- مدل پارادایمی

مدل پارادایمی استخراج‌شده از نظریه داده‌بنیاد، تجلی بصری و یکپارچه‌ای از تعامل پیچیده مفاهیم کلیدی (۶ مقوله اصلی) است که مستقیماً از بستر نظری پژوهش (مانند نقش اجتماعی، فمینیستی و یادگیری اجتماعی) نشأت گرفته و آن‌ها را در قالب یک سیستم پویا بازتعریف می‌کند. در واقع نظریه‌ها بستری را فراهم می‌کنند تا ساختارهای زیربنایی روابط بین مقوله‌ها (رشد فرزند، انتظارات، نگرانی‌ها و ...) در تجربه مادری ایرانی، به‌طور علمی و نظام‌مند مدل‌سازی شوند. این مدل ضمن تأکید بر پویایی و تأثیر متقابل عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی بر تربیت فرزند مسیری را برای درک عمیق و رویکردهای عملی‌تر در مواجهه با دغدغه‌های مادران حاضر و کنونی ترسیم می‌کند. در این مطالعه از رویکرد داده‌بنیاد استفاده شده و این نظریه نقش محوری در هدایت تحلیل‌ها داشته است؛ زیرا رویکرد اصلی پژوهش برای استخراج و ساخت مدل از دل داده‌ها بوده است.

یک مدل پارادایمی می‌تواند از شناسایی و سازمان‌دهی مؤلفه‌های فرعی، اصلی و هسته استخراج‌شده از داده‌های تحقیق استخراج شود. یک مدل پارادایمی به‌صورت بصری روابط بین مؤلفه‌های مختلف و تأثیر آن‌ها را بر پدیده مورد بررسی نشان می‌دهد. در این حالت، پس از به‌دست‌آوردن مؤلفه‌های فرعی، اصلی و هسته مرتبط با موضوع تحقیق، می‌توان یک مدل پارادایمی برای نشان دادن تعامل بین این عناصر ایجاد کرد. مؤلفه‌های فرعی ممکن است عوامل زمینه‌ای یا شرایط اساسی را نشان دهند، درحالی‌که مؤلفه‌های اصلی می‌توانند عناصر کلیدی را که مستقیماً بر مسأله تأثیر می‌گذارند، در بر گیرند. درنهایت، مؤلفه‌های هسته، عوامل مرکزی یا حیاتی‌ترین عوامل شکل‌دهنده این رابطه را تشکیل می‌دهند. ساخت یک مدل

پارادایمی به این روش به محققان این امکان را می‌دهد که پیچیدگی‌های مسأله تحقیق را به شیوه‌ای ساختاریافته و جامع به تصویر بکشند. در ادامه مدل پارادایمی نشان داده شده است.

بخش ۱: شرایط علی

- بی‌ثباتی اقتصادی
- هنجارها و انتظارات اجتماعی و فرهنگی
- جامعه به سرعت در حال تغییر
- پیشرفت‌های تکنولوژیکی

بخش ۲: پدیده محوری

- تجربیات و دغدغه‌های مادران در ایران معاصر

بخش ۳: عوامل زمینه‌ای

- پویایی خانواده
- رشد کودک
- دسترسی به خدمات درمانی و سلامت روان
- منابع و سیستم‌های حمایتی جامعه
- آرزوهای شخصی و اهداف زندگی

بخش ۴: شرایط مداخله‌گر

- سبک‌ها و شیوه‌های فرزندپروری
- هوش هیجانی
- تاب‌آوری
- انتظارات و هنجارهای اجتماعی
- هویت و ارزش‌های فرهنگی
- نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی

بخش ۵: راهبردهای توسعه

- رشد فرزندان
- انتظارات اجتماعی و فرهنگی
- نگرانی‌های زندگی روزمره
- سلامت روان
- شبکه پشتیبانی
- رشد شخصی و خودشکوفایی

بخش ۶: پیامدها

- بهبود سلامت روان و رفاه مادران و کودکان
- افزایش تاب‌آوری و راهبردهای مقابله‌ای برای خانواده‌ها
- تقویت سیستم‌ها و منابع حمایتی برای والدین و کودکان
- روابط و پیوندهای قوی‌تر در جامعه
- رشد شخصی و خودشکوفایی برای مادران و کودکان

این مدل پارادایمی، چارچوبی برای درک و پرداختن به دغدغه‌ها و تجربیات متنوع مادران و کودکان در ایران ارائه می‌دهد. با بررسی شرایط علی مختلف، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و راهبردهای توسعه، سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان می‌توانند در جهت حمایت و توانمندسازی خانواده‌ها برای گذر از چالش‌های مادری و ارتقاء رفاه عمومی تلاش کنند. در جدول شماره ۷ شرایط علی مدل پارادایمی پیشنهادی بیان شده است. جدول شماره ۸ پدیده محوری مدل پارادایمی پیشنهادی را نشان می‌دهد. در جدول شماره ۹ عوامل زمینه‌ای مدل پارادایمی پیشنهادی بیان شده است. در جدول شماره ۱۰ شرایط مداخله‌گر مدل پارادایمی پیشنهادی بیان شده است. در جدول شماره ۱۱ راهبردهای توسعه مدل پارادایمی پیشنهادی بیان شده است. در جدول شماره ۱۲ پیامدها در مدل پارادایمی پیشنهادی بیان شده است. در نهایت، شکل شماره ۱ شمای کلی مدل پارادایمی پیشنهادی نشان داده شده است.

جدول ۷. شرایط علی مدل پارادایمی پیشنهادی

ردیف	شرط علی	مفهوم
۱	بی‌ثباتی اقتصادی	بی‌ثباتی اقتصادی به نوسانات در رفاه مالی افراد، خانوارها یا یک کشور اشاره دارد. این امر می‌تواند با عواملی مانند تورم بالا، بیکاری، نابرابری درآمد یا بحران‌های مالی مشخص شود. این شرایط می‌تواند برای خانواده‌ها، به‌ویژه برای مادرانی که ممکن است نیاز به مدیریت امور مالی خانوار و تأمین معاش فرزندان خود در دوره‌های مشکلات اقتصادی داشته باشند، عدم قطعیت و استرس ایجاد کند.
۲	هنجارها و انتظارات اجتماعی و فرهنگی	هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، قوانین، رفتارها و ارزش‌های نانوشته‌ای هستند که در یک جامعه یا گروه فرهنگی خاص پذیرفته شده‌اند. از سوی دیگر، انتظارات فرهنگی به باورها و فرضیاتی اشاره دارد که افراد، خانواده‌ها و جوامع در مورد رفتارها و نگرش‌های مناسب دارند. این هنجارها و انتظارات می‌توانند بر انتظارات از مادران، سبک‌های فرزندپروری و نقش‌های درک شده از زنان در جامعه تأثیر بگذارند.
۳	جامعه به‌سرعت در حال تغییر	یک جامعه به‌سرعت در حال تغییر به شتاب و گسترش تحولات اجتماعی، اقتصادی و فناوری در یک محیط معین اشاره دارد. این تغییرات می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای خانواده‌ها، به‌ویژه از نظر سازگاری با هنجارها، انتظارات و چالش‌های در حال تحول، داشته باشد. در ایران، تغییرات سریع اجتماعی می‌تواند چالش‌های منحصر به فردی را برای مادران ایجاد کند؛ زیرا آن‌ها با نگرانی‌های مختلف مربوط به بزرگ کردن فرزندان، حفظ هویت فرهنگی و متعادل کردن آرزوهای شخصی خود دست و پنجه نرم می‌کنند.
۴	پیشرفت‌های فناوری	پیشرفت‌های فناوری شامل توسعه و پذیرش گسترده ابزارها، دستگاه‌ها و سیستم‌های جدیدی است که بر نحوه زندگی، کار و تعامل افراد تأثیر می‌گذارد. این پیشرفت‌ها می‌توانند پیامدهای مثبت و منفی برای خانواده‌ها داشته باشند و بر الگوهای ارتباطی، دسترسی به اطلاعات و تجربیات زندگی روزمره تأثیر بگذارند. مادران ممکن است نیاز داشته باشند که نگرانی‌های مربوط به اعتیاد کودکان به رسانه‌های اجتماعی،

واکاوی دغدغه‌های مادران ایرانی در بستر کنونی: یک مطالعه کیفی در شهرستان بابل استان مازندران

سیده مریم حمیدانی، صادق صالحی، مهربان پارسامهر

مفهوم	شرط علی	ردیف
ایمنی آن لاین و تأثیر فناوری بر سلامت روان و رفاه کودکان را مدیریت کنند.		

جدول ۸. پدیده محوری مدل پارادایمی پیشنهادی

مفهوم	پدیده محوری	ردیف
پدیده محوری «تجربه‌ها و دغدغه‌های مادران در ایران معاصر» جنبه‌های پیچیده و چندوجهی مادری را در بافت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی منحصربه‌فرد ایران امروز در بر می‌گیرد. این شامل ابعاد مختلفی مانند فرزندپروری و رشد کودک، انتظارات اجتماعی و فرهنگی، دغدغه‌های زندگی روزمره، چالش‌های سلامت روان، شبکه‌های حمایتی جامعه و رشد شخصی و خودشکوفایی می‌شود. این پدیده بر اهمیت درک و پرداختن به چالش‌ها، نیازها و تجربیات متنوع مادران در ایران و همچنین تاب‌آوری و تدبیر آن‌ها در گذر از مشکلات و بحران‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌کند.	تجربیات و دغدغه‌های مادران در ایران معاصر	۱

جدول ۹. عوامل زمینه‌ای مدل پارادایمی پیشنهادی

مفهوم	عامل زمینه‌ای	ردیف
پویایی خانواده به الگوهای تعاملات، رفتارها و روابطی که بین اعضای خانواده وجود دارد اشاره دارد. این پویایی‌ها می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر تجربیات و نگرانی‌های مادران داشته باشند و بر عواملی مانند تصمیم‌گیری، حل تعارض، ارتباط و حمایت عاطفی در خانه تأثیر بگذارند.	پویایی خانواده	۱
رشد کودک شامل رشد جسمی، شناختی، اجتماعی و عاطفی است که در دوران کودکی اتفاق می‌افتد. مادران نقش مهمی در حمایت و پرورش	رشد کودک	۲

مفهوم	عامل زمینه‌ای	ردیف
رشد کودکان دارند و این امر آن را به جنبه‌ای اساسی در درک تجربیات و نگرانی‌های مادران تبدیل می‌کند.		
دسترسی به خدمات بهداشتی و سلامت روان به در دسترس بودن، مقرون به صرفه بودن و استفاده از منابعی مانند مراقبت‌های پزشکی، مشاوره و برنامه‌های حمایتی اشاره دارد. این یک عامل زمینه‌ای مهم است که می‌تواند بر توانایی مادران در رسیدگی به نیازهای بهداشتی خود و فرزندانشان تأثیر بگذارد.	دسترسی به خدمات بهداشتی و سلامت روان	۳
منابع و سیستم‌های حمایتی جامعه شامل خدمات، شبکه‌ها و مؤسسات مختلفی در یک جامعه خاص است که کمک ارائه می‌دهند و ارتباطات بین افراد و خانواده‌ها را تقویت می‌کنند. این موارد می‌تواند شامل خانواده گسترده، دوستان، سازمان‌های مذهبی یا فرهنگی و برنامه‌های عمومی باشد.	منابع و سیستم‌های حمایتی جامعه	۴
آرزوها و اهداف زندگی شخصی شامل امیدها، جاه‌طلبی‌ها و اهداف فردی است که مادران برای خود و خانواده‌هایشان در نظر دارند. این اهداف می‌تواند شامل اهداف شغلی، تحصیلی و اهداف رشد شخصی باشد. درک این آرزوها برای درک زمینه وسیع تر تجربیات و نگرانی‌های مادران در ایران معاصر ضروری است. مادری نقشی است که نباید قابلیت شغلی، تحصیلی یا رشد شخصی را نادیده گرفت.	آرزوها و اهداف زندگی شخصی	۵

جدول ۱۰. شرایط مداخله‌گر مدل پارادایمی پیشنهادی

مفهوم	شرط مداخله‌گر	ردیف
سبک‌ها و شیوه‌های فرزندپروری به رویکردها، استراتژی‌ها و تکنیک‌های مختلفی اشاره دارد که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند. این سبک‌ها می‌توانند از سبک‌های مقتدرانه تا سهل‌گیرانه متغیر باشند و شامل شیوه‌های خاصی مانند ارتباط، انضباط و پرورش باشند. سبک‌ها و شیوه‌های فرزندپروری می‌توانند بر رشد کودک، پویایی خانواده و تجربیات و نگرانی‌های مادران تأثیر بگذارند.	سبک‌ها و شیوه‌های فرزندپروری	۱

واکاوی دغدغه‌های مادران ایرانی در بستر کنونی: یک مطالعه کیفی در شهرستان بابل استان مازندران

سیده مریم حمیدانی، صادق صالحی، مهربان پارسامهر

مفهوم	شرط مداخله‌گر	ردیف
هوش هیجانی توانایی تشخیص، درک و مدیریت احساسات خود و دیگران است. توسعه هوش هیجانی قوی می‌تواند به مادران کمک کند تا چالش‌ها و عوامل استرس‌زای مختلف مرتبط با فرزندپروری را مدیریت کنند و به رفاه کلی و ظرفیت آن‌ها برای حمایت از رشد عاطفی فرزندانشان کمک کند.	هوش هیجانی	۲
تاب‌آوری به ظرفیت سازگاری و بهبودی از ناملایمات، استرس و چالش‌ها اشاره دارد. در زمینه تجربیات مادرانه، تاب‌آوری نقش مهمی در توانمندسازی مادران برای مقابله و غلبه بر موانع مختلف، مانند مشکلات اقتصادی، بحران‌های اجتماعی و مبارزات شخصی ایفا می‌کند.	تاب‌آوری	۳
انتظارات و هنجارهای اجتماعی، قوانین، رفتارها و ارزش‌های نانوشته‌ای هستند که در یک جامعه خاص قابل قبول یا مناسب تلقی می‌شوند. این انتظارات می‌توانند با شکل دادن به نقش‌ها، مسؤولیت‌ها و تعهدات درک شده مادران به‌عنوان والدین، بر تجربیات و نگرانی‌های آن‌ها تأثیر بگذارند.	انتظارات و هنجارهای اجتماعی	۴
هویت فرهنگی شامل ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم و رفتارهای مشترکی است که یک گروه فرهنگی خاص را تعریف می‌کند. برای مادران در ایران، هویت فرهنگی نقش مهمی در شکل‌دهی به تجربیات و نگرانی‌های آن‌ها ایفا می‌کند؛ زیرا آن‌ها تعادل بین حفظ سنت و سازگاری با جامعه‌ای که به سرعت در حال تغییر است را حفظ می‌کنند.	هویت و ارزش‌های فرهنگی	۵
نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی به انتظارات، رفتارها و هنجارهای اجتماعی مرتبط با مرد یا زن بودن اشاره دارند. این‌ها می‌توانند با شکل دادن به انتظارات اجتماعی از زنان به‌عنوان مراقب و همچنین فرصت‌ها و چالش‌هایی که مادران در جنبه‌های مختلف زندگی با آن روبرو هستند، بر تجربیات و نگرانی‌های مادرانه تأثیر بگذارند.	نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی	۶

جدول ۱۱. راهبردهای توسعه مدل پارادایمی پیشنهادی

مفهوم	راهبرد توسعه	ردیف
راهبردهای توسعه‌ای در این زمینه می‌تواند شامل دسترسی به منابع و آموزش تکنیک‌های مؤثر فرزندپروری، به‌ویژه برای والدین دارای فرزندان با نیازهای ویژه یا والدین مجرد باشد. حمایت از والدین در رسیدگی به نیازهای تحصیلی، عاطفی و اجتماعی کودکان نیز می‌تواند برای ارتقاء نتایج مثبت کودک و افزایش رفاه مادران ضروری باشد.	رشد فرزندان	۱
راهبردهای رسیدگی به انتظارات اجتماعی و فرهنگی می‌تواند شامل کمپین‌های آگاهی‌بخشی برای به چالش کشیدن هنجارها و کلیشه‌های مضر و همچنین ارتقاء حمایت دولت برای رسیدگی به چالش‌های منحصربه‌فرد مادران و کودکان باشد. تشویق گفت‌وگو و درک پیرامون هویت‌های فرهنگی در حال تحول نیز می‌تواند به مادران کمک کند تا این انتظارات را در جامعه‌ای که به سرعت در حال تغییر است، هدایت کنند.	انتظارات اجتماعی و فرهنگی	۲
راهبردهای رسیدگی به نگرانی‌های زندگی روزمره می‌تواند شامل تسهیل دسترسی به خدمات درمانی و بهداشت روان برای مادران و فرزندان نشان باشد. ارتقاء منابع برای مادران برای ایجاد تعادل بین مسؤولیت‌های شغلی و مادری و همچنین پرداختن به اعتیاد و نگرانی‌های رسانه‌های اجتماعی، می‌تواند به کاهش برخی از این چالش‌ها کمک کند.	نگرانی‌های زندگی	۳
راهبردهای متمرکز بر سلامت روان می‌تواند شامل ابتکاراتی باشد که به چالش‌های سلامت روان پس از زایمان، استرس، اضطراب و تاب‌آوری در مادران و کودکان می‌پردازد. کاهش انگ اجتماعی مرتبط با مشکلات سلامت روان و تقویت عزت‌نفس مثبت نیز از اجزای مهم هستند.	سلامت روان	۴
استراتژی‌های توسعه‌ای در این حوزه می‌تواند شامل تقویت روابط با خانواده، دوستان و سازمان‌های اجتماعی برای دسترسی به منابع و شرکت در کارگاه‌های فرزندپروری و گروه‌های زنان باشد. تشویق به همکاری بین سازمان‌های اجتماعی و دولتی برای افزایش آگاهی در	شبکه پشتیبانی	۵

مفهوم	راهبرد توسعه	ردیف
مورد مسائل مادری و تدوین سیاست‌های مؤثر برای زنان می‌تواند شبکه‌های حمایتی اجتماعی را بیشتر تقویت کند.		
استراتژی‌های ارتقاء رشد شخصی و خودشکوفایی می‌تواند شامل حمایت از مادران در ایجاد تعادل بین اهداف و آرزوهای شخصی خود و مسؤلیت‌هایشان به‌عنوان والدین باشد. تشویق به یادگیری مادام‌العمر، خوداندیشی و توسعه ویژگی‌های مثبت شخصی مانند همدلی، سازگاری و روشنفکری می‌تواند به مادران کمک کند تا در جنبه‌های مختلف زندگی خود شکوفا شوند.	رشد شخصی و خودشکوفایی	۶

جدول ۱۲. پیامدهای مدل پارادایمی پیشنهادی

مفهوم	پیامد	ردیف
افزایش سلامت روان و رفاه مادران و کودکان می‌تواند منجر به پیامدهای مثبتی مانند کاهش استرس و اضطراب، افزایش ثبات عاطفی و بهبود سلامت کلی شود. با پرداختن به چالش‌های سلامت روان و ارتقاء رفاه عاطفی، مادران و فرزندان‌شان برای عبور از مشکلات مختلف اقتصادی و بحران‌های اجتماعی که ممکن است با آن مواجه شوند، مجهزتر می‌شوند.	بهبود سلامت روان و رفاه مادران و کودکان	۱
تقویت تاب‌آوری و راهبردهای مقابله‌ای می‌تواند خانواده‌ها را برای سازگاری و بهبودی مؤثرتر از ناملایمات توانمند سازد. این امر می‌تواند به حداقل رساندن تأثیرات منفی بلندمدت مشکلات اقتصادی و بحران‌های اجتماعی بر مادران و فرزندان‌شان کمک کند و منجر به تاب‌آوری کلی بیشتر در جامعه ایران شود.	افزایش تاب‌آوری و راهبردهای مقابله‌ای برای خانواده‌ها	۲
گسترش دسترسی به منابع و شبکه‌های حمایتی می‌تواند به مادران و کودکان کمک کند تا بر چالش‌ها غلبه کنند و پایه‌های قوی و پایداری برای آینده بسازند. با پیوند دادن خانواده‌ها با حمایتی که نیاز دارند، جوامع می‌توانند محیطی پرورش‌دهنده‌تر برای همه ایجاد کنند.	تقویت سیستم‌ها و منابع حمایتی برای والدین و کودکان	۳

مفهوم	پیامد	ردیف
روابط و پیوندهای تقویت‌شده بین خانواده‌ها، سازمان‌های اجتماعی و نهادهای دولتی می‌تواند انسجام اجتماعی را ارتقا داده و حس تعلق را تقویت کند. این محیط مشارکتی می‌تواند منجر به بهبود ارتباطات، درک مشترک و اقدام جمعی برای رسیدگی به مشکلات اقتصادی و بحران‌های اجتماعی در ایران شود.	روابط و پیوندهای قوی‌تر در جامعه	۴
تشویق به رشد شخصی و خودشکوفایی، مادران و کودکان را قادر می‌سازد تا به تمام پتانسیل خود دست یابند و به‌طور مثبت در زندگی فردی خود و جامعه وسیع‌تر نقش داشته باشند. با ترویج خودآگاهی، یادگیری مادام‌العمر و ویژگی‌های مثبت شخصی، جامعه ایران می‌تواند نسل جدیدی از افراد باهوش عاطفی، تاب‌آور و توانمند را پرورش دهد.	رشد شخصی و خودشکوفایی برای مادران و کودکان	۵

مدل پارادایمی ارائه شده در این پژوهش چارچوبی منسجم برای درک تجربیات و دغدغه‌های مادران ایرانی در عصر حاضر فراهم می‌کند. این مدل نشان می‌دهد که پدیده محوری، یعنی «تجربیات و دغدغه‌های مادرانه»، تحت تأثیر مجموعه‌ای از شرایط علی مانند بی‌ثباتی اقتصادی، هنجارها و انتظارات اجتماعی و فرهنگی، تغییرات سریع جامعه و پیشرفت‌های تکنولوژیکی شکل می‌گیرد. این شرایط علی، زمینه را برای ظهور چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مادری فراهم می‌آورند و تعامل مادران با محیط اجتماعی و فرهنگی خود را جهت‌دهی می‌کنند. عوامل زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر، نقشی تعدیل‌کننده و شکل‌دهنده بر رابطه بین شرایط علی و پدیده محوری دارند. عواملی مانند پویایی خانواده، رشد کودک، دسترسی به خدمات سلامت روان و منابع حمایتی، سبک‌های فرزندپروری، هوش هیجانی و تاب‌آوری و همچنین انتظارات و هنجارهای اجتماعی، هویت فرهنگی و نقش‌های جنسیتی، تجربه مادران را پیچیده و چندبعدی می‌سازند. این لایه‌ها امکان تحلیل دقیق‌تر و شفاف‌تر داده‌ها را فراهم می‌کنند و نشان می‌دهند که دغدغه‌های مادران تنها نتیجه شرایط اقتصادی یا اجتماعی نیست، بلکه محصول تعامل چندجانبه با محیط و شرایط شخصی و خانوادگی است. راهبردهای عملی که مادران برای مدیریت دغدغه‌ها به کار می‌گیرند، شامل رشد فرزندان، مدیریت انتظارات اجتماعی و فرهنگی، مراقبت از سلامت روان خود و کودکان، شبکه پشتیبانی و رشد شخصی و خودشکوفایی است. پیامدهای این راهبردها نیز شامل بهبود سلامت روان و رفاه مادران و کودکان، افزایش تاب‌آوری، تقویت سیستم‌ها و منابع حمایتی، تحکیم روابط اجتماعی و

خانوادگی و ارتقاء رشد شخصی و خودشکوفایی است. بنابراین، مدل پارادایمی ارائه شده، تصویری جامع از فرآیندهای چندلایه‌ای مادری در ایران معاصر ارائه می‌دهد و امکان تحلیل علمی و کاربردی این تجربه را فراهم می‌آورد.

۴-۵- تحلیل مصاحبه‌ها

پس از تحلیل مصاحبه‌ها با مادران دارای موقعیت‌های اجتماعی متفاوت، الگوهای مشخصی در تجربه‌ها و دغدغه‌های آنان مشاهده شد. این تحلیل نشان می‌دهد که هر گروه با توجه به منابع، فرصت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی خود، اولویت‌ها و نگرانی‌های متفاوتی دارد، هرچند برخی مضامین مشترک نیز میان همه گروه‌ها وجود دارد. این بخش با هدف بررسی این تفاوت‌ها و هم‌پوشانی‌ها، یافته‌ها را در قالب شش مقوله هسته‌ای ارائه می‌کند: رشد فرزندان، انتظارات اجتماعی و فرهنگی، نگرانی‌های زندگی، سلامت روان، شبکه پشتیبانی و رشد شخصی و خودشکوفایی.

- رشد فرزندان: مادران دارای موقعیت اجتماعی بالاتر، تمرکز بیشتری بر فرزندپروری و رشد کودک داشتند. آنان بر فرصت‌های آموزشی، فعالیت‌های فوق برنامه و توسعه مهارت‌های شناختی و هیجانی فرزندان تأکید داشتند. در مقابل، مادران با موقعیت اجتماعی پایین‌تر بیشتر دغدغه‌های مربوط به تأمین نیازهای اساسی فرزندان مانند سلامت جسمانی و دسترسی به مراقبت‌های آموزشی و بهداشتی داشتند. این تفاوت نشان می‌دهد که دسترسی به منابع و فرصت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نگرانی‌های مادران دارد.
- انتظارات اجتماعی و فرهنگی: مادران با موقعیت اجتماعی بالا و متوسط نگرانی‌های بیشتری در مورد فشارهای اجتماعی و فرهنگی ابراز کردند. حفظ اعتبار اجتماعی، رعایت هنجارهای فرهنگی و انتظارات خانواده و جامعه از جمله دغدغه‌های برجسته این گروه بود. در مقابل، مادران با موقعیت اجتماعی پایین‌تر، این نگرانی‌ها کم‌تر برجسته بود و تمرکز بیشتری بر مسائل روزمره و حمایت اجتماعی داشتند.
- نگرانی‌های زندگی: این مقوله بیشتر در میان مادران با موقعیت اجتماعی پایین مشاهده شد. دغدغه‌های اقتصادی، مشکلات مالی، کمبود منابع و عدم اطمینان نسبت به آینده، چالش‌های اساسی این گروه را شکل می‌دهد. مادران در این گروه تأکید داشتند که برای تأمین نیازهای خانواده و مدیریت زندگی روزمره، به شبکه‌های حمایتی خانوادگی و اجتماعی تکیه دارند.

- سلامت روان: در زمینه سلامت روان، تفاوت‌های مشخصی بین گروه‌ها مشاهده شد. مادران با موقعیت اجتماعی پایین‌تر نگرانی‌های بیشتری در مورد استرس، اضطراب و پیامدهای فشار مالی بر سلامت روان ابراز کردند، در حالی که مادران با موقعیت اجتماعی بالاتر بیشتر بر مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت تعارضات هیجانی تمرکز داشتند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که منابع روانی و اجتماعی مادران نقش مهمی در توانایی مدیریت استرس دارند.
 - شبکه پشتیبانی: شبکه پشتیبانی شامل خانواده، دوستان، سازمان‌های محلی، و دولتی برای مادران با موقعیت اجتماعی پایین‌تر اهمیت ویژه‌ای دارد. آنان اغلب بر اتکا به این منابع برای مقابله با مشکلات روزمره، دسترسی به خدمات و کاهش فشارهای اقتصادی تأکید داشتند. در مقابل، مادران با موقعیت بالاتر از شبکه‌های حمایتی برای تقویت رشد شخصی و آموزشی فرزندان بهره می‌بردند.
 - رشد شخصی و خودشکوفایی: مادران دارای موقعیت اجتماعی بالا و متوسط، تمایل بیشتری به توسعه فردی، پیشرفت شغلی و تحقق اهداف شخصی داشتند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت هویت فردی و آرزوهای شخصی در زندگی آنان است. در مقابل، مادران با موقعیت پایین‌تر کمتر فرصت تمرکز بر خودشکوفایی داشتند و دغدغه‌هایشان بیشتر معطوف به برآورده کردن نیازهای روزمره خانواده بود.
- جدول شماره ۱۳ شش مقوله هسته‌ای را با گروه‌های مادران براساس موقعیت اجتماعی و نکات کلیدی هر گروه نشان می‌دهد. این جدول به‌طور واضح تفاوت نگاه مادران از طبقه و گروه اجتماعی متفاوت را نشان می‌دهد.

جدول ۱۳. شش مقوله هسته‌ای را با گروه‌های مادران براساس موقعیت اجتماعی

مادران با موقعیت اجتماعی بالا و متوسط	مادران با موقعیت اجتماعی پایین	مقوله هسته‌ای
تمرکز بر فرصت‌های آموزشی، فعالیت‌های فوق برنامه، توسعه مهارت‌های شناختی و هیجانی	دغدغه تأمین نیازهای اساسی فرزندان، سلامت جسمانی و دسترسی به مراقبت‌ها	رشد فرزندان
نگرانی در مورد حفظ اعتبار اجتماعی، رعایت هنجارهای فرهنگی و انتظارات جامعه	تمرکز کم‌تر بر فشارهای اجتماعی، توجه بیشتر به مسائل روزمره و حمایت اجتماعی	انتظارات اجتماعی و فرهنگی

مقوله هسته‌ای	مادران با موقعیت اجتماعی پایین	مادران با موقعیت اجتماعی بالا و متوسط
نگرانی‌های زندگی	مشکلات مالی، کمبود منابع، عدم اطمینان اقتصادی و چالش‌های روزمره خانواده	دغدغه‌های اقتصادی و مالی کم‌تر و مدیریت برنامه‌های خانواده
سلامت روان	نگرانی‌های بیشتر در مورد استرس، اضطراب و پیامدهای فشار مالی بر سلامت روان	تمرکز بر مهارت‌های مقابله‌ای، مدیریت تعارضات هیجانی و تعادل روانی
شبکه پشتیبانی	انکاب به خانواده و جامعه برای مقابله با مشکلات روزمره و دسترسی به منابع	استفاده از شبکه‌ها برای تقویت رشد شخصی و آموزشی فرزندان
رشد شخصی و خودشکوفایی	فرصت کم‌تر برای تمرکز بر خودشکوفایی، اولویت بر توسعه فردی، پیشرفت شغلی، تحقق اهداف شخصی برآورده کردن نیازهای روزمره خانواده	و هویت فردی

۴-۶- تحلیل روش و مبانی نظری

تحلیل داده‌های این پژوهش کیفی، علاوه بر استخراج کدهای باز، مقوله‌های اصلی و مقوله‌های هسته، بر مبنای نظریه‌های مطرح در بخش دوم نیز انجام شد تا هم اصالت روایت‌های مادران حفظ شود و هم امکان تفسیر مفهومی و تعمیم محدود به چارچوب نظری فراهم گردد. پنج نظریه کلیدی که در تحلیل داده‌ها نقش راهبردی داشتند عبارتند از:

- نظریه نقش اجتماعی: این نظریه کمک می‌کند تا فشارها و انتظارات اجتماعی تحمیل شده به مادران در موقعیت‌های مختلف مورد تحلیل قرار گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهند که مادران با موقعیت اجتماعی بالا و متوسط بیشتر تحت فشار انتظارات فرهنگی و هنجارهای اجتماعی برای موفقیت فرزندان و حفظ اعتبار اجتماعی هستند، در حالی که مادران با موقعیت اجتماعی پایین با چالش‌های روزمره و محدودیت‌های اقتصادی روبه‌رو می‌شوند. این تطابق یافته‌ها با نظریه نقش اجتماعی، تبیین می‌کند که چگونه هنجارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی رفتار و دغدغه‌های مادران را شکل می‌دهند.
- نظریه فمینیستی: با توجه به نقش‌های جنسیتی و محدودیت‌های اجتماعی که زنان در جامعه تجربه می‌کنند، نظریه فمینیستی به تحلیل قدرت، نابرابری‌ها و محدودیت‌های اجتماعی کمک می‌کند. یافته‌ها نشان دادند که مادران همواره در تلاش برای تعادل میان مسؤولیت‌های مادری و اهداف شخصی خود هستند و با فشارهای

اجتماعی و انتظارات فرهنگی مواجه‌اند، موضوعی که نظریه فمینیستی آن را به‌عنوان ابعاد ساختاری و اجتماعی نابرابری زنان در خانواده و جامعه توضیح می‌دهد.

- نظریه سیستم‌های خانواده: این نظریه امکان بررسی پویایی‌های خانواده، نقش اعضا و تعاملات درون خانوادگی را فراهم می‌کند. داده‌ها نشان دادند که سلامت روان مادر و فرزند، رشد کودک و تاب‌آوری خانواده تا حد زیادی تحت تأثیر تعاملات خانوادگی و حمایت اعضای خانواده قرار دارد. به‌ویژه، شبکه‌های حمایتی و روابط دوستانه با اعضای خانواده نقش کلیدی در مقابله با چالش‌های روزمره دارند و به‌وضوح با مفاهیم نظریه سیستم‌های خانواده همخوانی دارد.

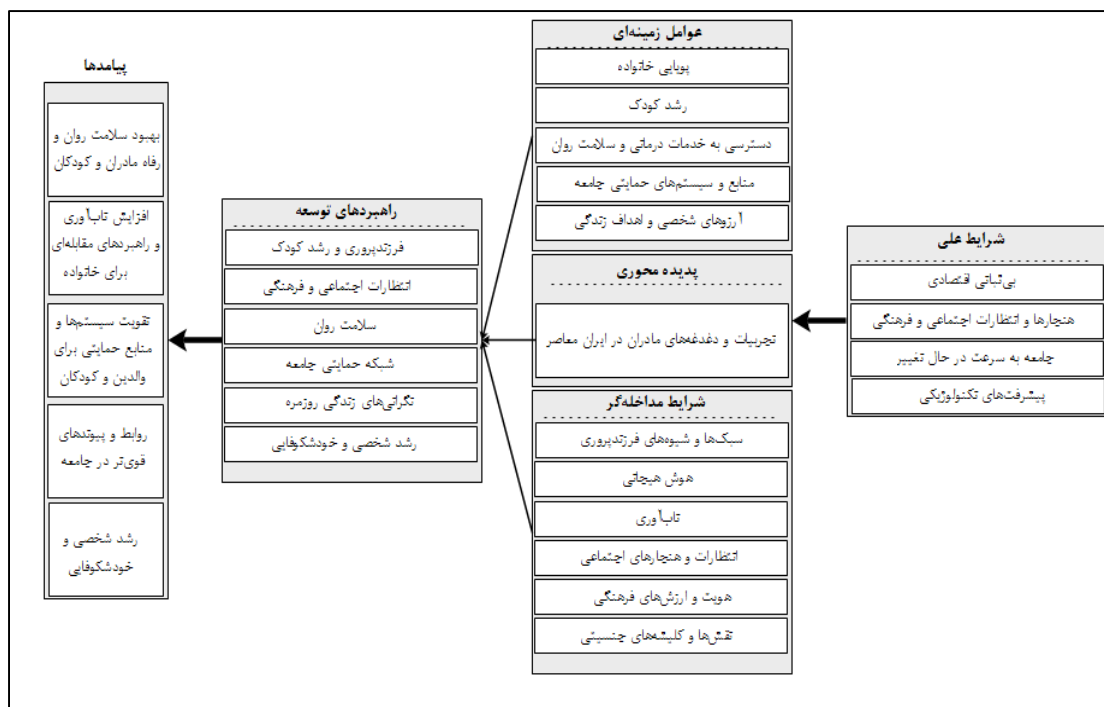
- نظریه فرهنگی-تاریخی: این نظریه بر اهمیت بافت فرهنگی، تاریخی و اجتماعی در شکل‌گیری رفتار و نگرش‌ها تأکید می‌کند. تحلیل داده‌ها نشان داد که هویت فرهنگی، ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی مادران، شیوه‌های فرزندپروری و نگرانی‌های مربوط به رشد فرزندان را جهت‌دهی می‌کنند. این یافته‌ها هم‌سو با نظریه فرهنگی-تاریخی نشان می‌دهد که رفتارها و دغدغه‌های مادران بدون در نظر گرفتن بستر تاریخی و فرهنگی جامعه قابل فهم نیستند.

- نظریه یادگیری اجتماعی: این نظریه بر نقش مشاهده، الگوگیری و یادگیری از محیط در شکل‌گیری رفتارها تأکید دارد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مادران با مشاهده الگوهای فرزندپروری در خانواده، جامعه و رسانه‌ها، شیوه‌های خود را انتخاب و تعدیل می‌کنند. به‌ویژه در زمینه مهارت‌های اجتماعی، هوش هیجانی و تاب‌آوری، یادگیری اجتماعی نقش مهمی در شکل‌دهی رفتار و نگرش‌های مادران دارد.

درنهایت، استفاده از این پنج نظریه در کنار تحلیل داده‌ها، امکان تلفیق یافته‌های تجربی را با مبانی نظری فراهم کرده و قابلیت تعمیم مفهومی محدود به موقعیت اجتماعی و فرهنگی مادران ایرانی را تقویت می‌کند. بدین ترتیب، تحلیل داده‌ها نه‌تنها به استخراج کدها و مقوله‌ها محدود نمی‌شود، بلکه چارچوبی برای فهم گسترده‌تر و تبیین علل و روابط میان متغیرهای اصلی فراهم می‌کند. جدول مقایسه‌ای مبانی نظری و مقوله‌های هسته‌ای و یافته‌های پژوهش در جدول شماره ۱۴ نشان داده شده است.

جدول ۱۴. مقایسه‌ای مبانی نظری و مقوله‌های هسته‌ای و یافته‌های پژوهش

نظریه	جنبه‌های تحلیل یافته‌ها	مقوله‌های هسته‌ای مرتبط	مثال از یافته‌ها
نظریه نقش اجتماعی	فشارها و انتظارات اجتماعی مادران	انتظارات اجتماعی و فرهنگی	فشار برای موفقیت فرزندان، حفظ اعتبار و ارزش خانواده
نظریه فمینیستی	نابرابری‌ها و نقش‌های جنسیتی	رشد شخصی و خودشکوفایی، نگرانی‌های زندگی	تعالد میان مسؤولیت‌های مادری و اهداف شخصی
نظریه سیستم‌های خانواده	تعاملات خانوادگی و پویایی خانواده	شبکه پشتیبانی، سلامت روان	اهمیت روابط حمایتی و دوستانه با اعضای خانواده
نظریه فرهنگی-تاریخی	تأثیر بافت فرهنگی و تاریخی بر رفتارها	رشد فرزند، انتظارات اجتماعی و فرهنگی	شیوه‌های فرزندپروری مبتنی بر هنجارهای فرهنگی و ارزش‌های جامعه
نظریه یادگیری اجتماعی	یادگیری از الگوها و محیط	رشد فرزند، سلامت روان	الگوبرداری از شیوه‌های فرزندپروری و توسعه مهارت‌های اجتماعی و هیجانی



شکل ۱. شمای کلی مدل پارادایمی پیشنهادی

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های کیفی نشان داد که تجربیات مادران ایرانی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی قرار دارد و این عوامل در تعامل با یکدیگر، نحوه فرزندپروری و نگرانی‌های مادران را شکل می‌دهند. شش مقوله هسته‌ای استخراج شده شامل «رشد فرزندان»، «انتظارات اجتماعی و فرهنگی»، «نگرانی‌های زندگی»، «سلامت روان»، «شبکه‌های پشتیبانی» و «رشد شخصی و خودشکوفایی» نمایان‌گر گستره وسیع دغدغه‌ها و مسؤولیت‌های مادران است. یافته‌ها حاکی از آن است که موقعیت اجتماعی مادران نقش کلیدی در اولویت‌بندی نگرانی‌ها و فرصت‌های آن‌ها دارد. مادران با موقعیت اجتماعی بالاتر تمرکز بیشتری بر رشد کودک، فرصت‌های آموزشی و تحقق اهداف شخصی دارند، درحالی‌که مادران با موقعیت اجتماعی پایین‌تر نگرانی‌های بیشتری در زمینه تأمین نیازهای اساسی، سلامت روان و دسترسی به منابع حمایتی ابراز کردند. مدل پارادایمی ارائه‌شده، یک چارچوب جامع برای درک رابطه میان شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای توسعه و پیامدهای حاصل از آن فراهم می‌کند. این مدل

نشان می‌دهد که برای ارتقاء سلامت روان، تاب‌آوری و رشد شخصی مادران و کودکان، لازم است مجموعه‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی چندسطحی اجرا شود. یافته‌های این مطالعه که بر دغدغه‌های مادران ایرانی در بابل تمرکز دارد. با پیوند عوامل کلان اقتصادی-اجتماعی بر تجربیات فردی و استفاده از نظریه‌های مختلف، تفاوت‌های طبقاتی در مادری را به خوبی آشکار می‌کند. با این حال محدودیت جغرافیای مطالعه، تمرکز بیشتر بر راهکارهای نرم مانند مشاوره به جای تغییرات ساختاری و حمایتی برای رفع مشکلات اقتصادی ریشه‌ای و همچنین احتمال افزایش فشار بر شبکه‌های حمایتی به جای دخالت نهادهای دولتی از جمله نکات انتقادی قابل تأمل است.

با توجه به یافته‌های پژوهش، تجربیات و دغدغه‌های مادران ایرانی در زمینه‌های مختلف زندگی، چندین پیشنهاد عملی و علمی ارائه می‌شود که می‌تواند برای سیاست‌گذاران، سازمان‌های حمایتی، مراکز آموزشی و خانواده‌ها مفید باشد. پیشنهادات براساس تحقیق کنونی و دستاوردهای اصلی این پژوهش به شرح ذیل می‌باشند.

- تقویت و توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی مادران:
 - طراحی و اجرای کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی برای تقویت مهارت‌های فرزندپروری، مدیریت استرس و مهارت‌های زندگی.
 - ایجاد برنامه‌های توانمندسازی مادران در زمینه اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه برای مادران با موقعیت اجتماعی پایین‌تر، تا توانایی مقابله با چالش‌های روزمره افزایش یابد.
 - ارائه مشاوره‌های گروهی و فردی با هدف افزایش تاب‌آوری، ارتقاء مهارت‌های حل مسئله و کاهش فشار روانی.
- ارتقاء سلامت روان مادران و کودکان:
 - فراهم کردن دسترسی آسان به خدمات روان‌شناسی و سلامت روان برای مادران و فرزندان، از جمله مشاوره‌های تخصصی، مراکز حمایتی و خط‌های مشاوره تلفنی.
 - طراحی برنامه‌های پیشگیری از استرس و اضطراب برای مادران و کودکان، با تمرکز بر تقویت عزت‌نفس، تاب‌آوری و مدیریت هیجانات.
 - ایجاد کمپین‌های آگاهی‌بخشی عمومی در مورد اهمیت سلامت روان و کاهش انگ اجتماعی مرتبط با مشکلات روانی.
- توجه به تعادل کار و زندگی:

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)

محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری

- ارائه تسهیلات مناسب برای مادران شاغل، مانند مهدکودک‌های حمایتی، مرخصی‌های انعطاف‌پذیر و کاهش فشارهای شغلی و اقتصادی.
- تشویق سازمان‌ها و شرکت‌ها به اجرای سیاست‌های دوستدار خانواده، به‌ویژه برای مادران، با هدف ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش رضایت شغلی.
- حفظ و تقویت شبکه‌های حمایتی خانوادگی و اجتماعی:
 - تشویق مادران به استفاده از حمایت خانواده، دوستان و گروه‌های محلی برای مقابله با چالش‌های روزمره.
 - ایجاد گروه‌های اجتماعی و مجازی برای تبادل تجربیات و ارائه راهنمایی‌های کاربردی به مادران، با توجه به تنوع موقعیت اجتماعی و فرهنگی.
 - توسعه برنامه‌های سازمان‌های حمایتی محلی و دولتی برای افزایش دسترسی مادران به منابع آموزشی، مشاوره و خدمات سلامت.
- تمرکز بر رشد شخصی و خودشکوفایی مادران:
 - ارائه فرصت‌های آموزشی و فعالیت‌های مهارتی برای ارتقاء خلاقیت، مهارت‌های اجتماعی و توانمندی‌های فردی مادران.
 - طراحی برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی و حرفه‌ای برای مادران، با هدف افزایش استقلال مالی و امکان تحقق آرزوهای شخصی.
 - تشویق مادران به دنبال کردن اهداف فردی و حرفه‌ای، بدون ایجاد تضاد با مسؤولیت‌های مادری، از طریق آموزش مهارت‌های مدیریت زمان و اولویت‌بندی اهداف.
- توسعه نگرش فرهنگی و اجتماعی نسبت به مادران:
 - اصلاح و کاهش کلیشه‌های جنسیتی و انتظارات غیرواقعی اجتماعی از مادران از طریق برنامه‌های آگاهی‌بخشی عمومی و رسانه‌ای.
 - ترویج نگرش‌های حمایتی و همدلانه نسبت به مادران در جامعه، با هدف کاهش فشارهای اجتماعی و ارتقاء سلامت روانی و اجتماعی آن‌ها.

- توجه به فرهنگ و هویت ملی و منطقه‌ای در طراحی برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای، تا هم‌سو با ارزش‌های فرهنگی مادران باشد.
- پیشنهادات پژوهشی:
 - انجام مطالعات آینده‌نگر و طولی برای بررسی تغییرات نگرانی‌ها و تجربیات مادران در طول زمان.
 - بهره‌گیری از ترکیب روش‌های کمی و کیفی برای تحلیل جامع‌تر عوامل مؤثر بر سلامت روان و رشد کودک.
 - گسترش نمونه‌گیری به شهرها و مناطق مختلف کشور برای افزایش قابلیت تعمیم یافته‌ها و شناسایی تفاوت‌های منطقه‌ای و فرهنگی.

منابع

منابع فارسی

- امیدوار، بنفشه، و لیراویانی‌نژاد، شیدا. (۲۰۱۹). تبیین علی رضایت از نقش مادری: نقش خودکارآمدی مادری و راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان. فصل‌نامه زن و جامعه، ۹(۳۶)، ۱-۱۶.
- پوربافرانی، معصومه، اعتمادی، عذرا، اکبرزاده، مهدی، و جزایری، رضوان‌السادات. (۲۰۱۵). بررسی نقش ویژگی‌های شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، سبک حل تعارض مادر و سبک حل تعارض دختر در پیش‌بینی تعارض مادر-دختر. پژوهش‌نامه روان‌شناسی خانواده، ۱۱(۲)، ۱۰۲-۸۵.
- صادقی، فاطمه، و شهابی، سمیه. (۲۰۱۷). مطالعه کیفی موانع و چالش‌های مادری زنان شاغل در شهر تهران. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۶(۴)، ۷۳۴-۷۱۵.
- کرمی، مهنوش، روشنی، شهره، و زارعان، منصوره. (۲۰۲۲). تجربه زیسته زنان از چالش‌های مادری در فضای شهری. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۴۲(۱۲)، ۲۳۶-۱۹۹.
- نادری پاریزی، فاطمه، و فلاح، محمدجواد. (۲۰۲۲). شأن مادری و چالش اشتغال زنان با رویکرد اخلاق کاربردی. فصل‌نامه اخلاق کاربردی، ۱۱(۱)، ۶۷-۴۵.
- نوری، اعظم. (۲۰۱۴). نقش مادری در آموزه‌های قرآنی. پژوهش‌نامه زنان و خانواده، ۲(۲)، ۹۲-۷۱.

منابع انگلیسی

- Castro, B., Johnsson, A., & Karlsson, M. (2025). A qualitative survey of mothers' experiences of breastfeeding support at a family center. *Nursing Open*, 12(2), e70152.
- Cox, L., Alfredsson, E., & Psouni, E. (2025). Mothers' experiences of family life during COVID-19: A qualitative comparison between Sweden, the United Kingdom, and the United States. *Community, Work & Family*, 28(2), 254-271.
- Devi, A., Flerer, M., & Li, L. (2016). Mother-child collective play at home context: An analysis from cultural historical theoretical perspective. In *International Conference of the Australian Association for Research in Education 2016* (pp. 1-13). Australian Association for Research in Education.
- Foley, S. (2018). *Emerging parental sensitivity: The transition to parenthood through the lens of family systems theory* (Doctoral dissertation). University of Toronto.

- Hankó, C., Pohárnok, M., Lénárd, K., & Bíró, B. (2024). Motherhood experiences of visually impaired and normally sighted women. *Human Arenas*, 7(1), 127–155.
- Luthar, S. S., & Ciciolla, L. (2015). Who mother's mommy? Factors that contribute to mothers' well-being. *Developmental Psychology*, 51(12), 1812–1823.
- Le, L. H., & Hancer, M. (2021). Using social learning theory in examining YouTube viewers' desire to imitate travel vloggers. *Journal of Hospitality and Tourism Technology*, 12(3), 512–532.
- Maroney, H. J. (1985). Embracing motherhood: New feminist theory. *CTheory*, 9(1-2), 40–54.
- Oladeji, O., Lai, J., Velazquez, N. R., Bammai, M. I., Kandel, G., Spyridou, A., ... & Augustine, J. (2025). Barriers to and facilitators of access to mental health services among pregnant adolescents and young mothers in Belize. *Revista Panamericana de Salud Pública*, 49, e3.
- Papadopoulos, D. (2021). Mothers' experiences and challenges raising a child with autism spectrum disorder: A qualitative study. *Brain Sciences*, 11(3), 309.
- Schneider, M. C., & Bos, A. L. (2019). The application of social role theory to the study of gender in politics. *Political Psychology*, 40(1), 173–213.
- Webber, L., & Dismore, H. (2021). Mothers and higher education: Balancing time, study, and space. *Journal of Further and Higher Education*, 45(6), 803–817.
- Zhu, L., Wang, Y., & Chen, Y. (2025). Sharenting in China: Perspectives from mothers and adolescents. *Internet Research*, 35(1), 105–125.

Exploring the Concerns of Iranian Mothers in the Current context: A Qualitative Study in Babol, Mazandaran Province

Seyyede Maryam hamidaei keshteli^۱, Sadegh Salehi^{۲*}, Mehraban Parsamehr^۳

Date Received:

16 Aug 2025

Date Accepted:

11 Nov 2025

Keywords:

Motherhood, lived experiences, sociocultural contexts, Iranian mothers, qualitative study, Mazandaran province.

Abstract

The study employs a qualitative approach based on grounded theory to deeply understand the lived experiences of Iranian mothers within context of sociocultural transformations. Its central problem lies in explaining how mothers navigate the tension between traditional roles and modern expectations, and how this duality shapes their identity, family relations, and everyday practices. The theoretical framework, grounded in family systems theory, cultural-historical theory, and social role theory, conceptualizes motherhood as a multidimensional phenomenon embedded in Iran's cultural, economic, and class structures. Data were collected through in-depth interviews with mothers from diverse social backgrounds and analyzed via open, axial, and selective coding. Findings indicate that middle and upper-class mothers face strong societal pressures to ensure their children's success and maintain social prestige, while lower-class mothers confront economic hardship, emotional strain, and limited social support. Across all groups, mothers strive to balance tradition and modernity. The study reveals that motherhood in contemporary Iran is less an individual experience and more a reflection of cultural and normative discourses. Its innovation lies in conceptualizing motherhood as a social and cultural phenomenon beyond psychological or economic interpretations and in presenting a conceptual model of motherhood in cultural transition. By integrating feminist and social role perspectives within an indigenous framework, the study contributes valuable theoretical insight to the sociology of family and gender in Iranian society.

¹ Master of Local Development Department of Sociology, Faculty of humanities and social sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran, _2050022875@iran.ir

² Professor of sociology, Department of development, Faculty of humanities and social sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran, s.salehi@umz.ac.ir

³ Associate Professor of sociology, Department of development, Faculty of humanities and social sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran, parsamehr@umz.ac.ir